**تجلی اخلاق اسلامی**

**در سوره حجرات**

**تألیف:**

**محمد عبداللطیف انصاری**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | تجلی اخلاق اسلامی در سوره حجرات | | | |
| **نویسنده:** | محمد عبداللطیف انصاری | | | |
| **موضوع:** | اخلاق اجتماعی | | | |
| **نوبت انتشار:** | اول (دیجیتال) | | | |
| **تاریخ انتشار:** | اسفند (حوت) 1394 شمسی جمادی الاول 1437 هجری | | | |
| **منبع:** |  | | | |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.**  **www.aqeedeh.com** | | | |  |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** | | | |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** | | | | |
| www.mowahedin.com  www.videofarsi.com  www.zekr.tv  www.mowahed.com | |  | www.aqeedeh.com  www.islamtxt.com  [www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)  www.sadaislam.com | |
|  | |  | | |
|  | | | | |
| contact@mowahedin.com | | | | |

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

[دفتر اول قرآن کریم اساسنامه اخلاق 3](#_Toc238509186)

[مسئولیت‌های متقابل پدران و فرزندان 11](#_Toc238509187)

[مسئولیت‌های متقابل شوهر و همسر 11](#_Toc238509188)

[دفتر دوم روزنه 15](#_Toc238509189)

[ادب و اخلاق با الله تعالی و رسول الله **ص** 20](#_Toc238509190)

[شايعه پراکنی و سخن چینی 27](#_Toc238509191)

[اصلاح در بین مسلمانان 31](#_Toc238509192)

[مسلمانان با هم برادرند 35](#_Toc238509193)

[تمسخر و عیبجویی 38](#_Toc238509194)

[بدگمانی و جاسوسی و غیبت 42](#_Toc238509195)

[بدگمانی 42](#_Toc238509196)

[جاسوسي 45](#_Toc238509197)

[غـيـبت 46](#_Toc238509198)

[خودخواهی و نژادپرستی 51](#_Toc238509199)

[صـفات مــؤمنـان 57](#_Toc238509200)

[سخن آخر 63](#_Toc238509201)

[فهرست منابع 70](#_Toc238509202)

دفتر اول  
قرآن کریم اساسنامه اخلاق

قرآن کریم تنها برنامه زندگی است که سعادت و خوشبختی را برای هر فرد تضمین می‌کند، در این اساسنامه که از سوی آفریدگار و خالق انسان ترتیب داده شده، ریز و درشت نیازهای او برای رسیدن به کمال سعادت و خوشبختی مطرح شده است.

چه شده است انسان‌ها را که برای درک درست یک اختراع، و شیوه و روش درست اسفتاده از یک کالا فورا به کاتالوگ یا کتاب راهنمایی که کارخانه سازنده همراه کالای مورد نظر گذاشته رجوع کرده با اعتماد کامل تمام آنچه کارخانه توصیه می‌کند را مو به مو اجرا می‌کنند. اما چون سخن از انسان می‌رود؛ چون آدم‌های نابینا در بین تپه‌ها و کوهها دست و پا می‌زنند؟!.

باید بدون کوچک‌ترین شک و تردیدی پذیرفت که قرآن، کاتالوگ یا کتاب راهنمایی که خالق و آفریدگار بشریت همراه با او به زمین فرستاده، و آنچه مهندس و متخصص در شئون این اختراع؛ یعنی فرستاده و پیامبر پروردگار، روشن نموده تنها راه سعادت و رشادت و خوشکامی یک انسان است.

پیامبر اکرم **ص** چون نزد بشریت آمدند دعوت خود را چنین معرفی نمودند: **«**إنما بعثت لأتمم مکارم الأخلاق**»** **«**من تنها از این جهت فرستاده شده‌ام تا ویژگی‌ها و مرام‌های والای اخلاقی را کامل کنم**»**.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| دلا مكارم اخلاق اگر همى خواهى |  | دو كار پیشه كن اینست مكارم اخلاق |
| مشو مخالف امر خـداى عزّوجـلّ |  | بكوش تا بود اندر میـان خلـق وفـاق |

و در مورد دین و مرام و شیوه زندگی خود چنین فرمودند: «لدین الـمعاملة» «دین تنها و تنها نحوه برخورد و رفتار با دیگران است»!.

آری! شیوۀ برخوردت با مردم عنوان و پلاکاردی است که شما را به دیگران معرفی می‌کند.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| از خدا جوییــــم توفیــق ادب |  | بی‌ادب محروم گشت از لطف رب |
| بی‌ادب تنها نه خود را داشت بد |  | بلکـه آتــش در همــه آفـــاق زد |

این شیوه برخورد باید طبق نمونه ارسالی، و قرآن زنده‌ای که با دو پا در میان بشریت گام می‌زد، یعنی، پیک و فرستاده آفریدگار باشد:

﴿لَّقَدۡ كَانَ لَكُمۡ فِي رَسُولِ ٱللَّهِ أُسۡوَةٌ حَسَنَةٞ لِّمَن كَانَ يَرۡجُواْ ٱللَّهَ وَٱلۡيَوۡمَ ٱلۡأٓخِرَ وَذَكَرَ ٱللَّهَ كَثِيرٗا ٢١﴾ [الأحزاب: 21].

«یقیناً برای شما در [روش و رفتار] رسول الله الگوی نیکویی است برای کسی که همواره به الله و روز قیامت امید دارد؛ و الله را بسیار یاد می‌کند».

قرآن کریم ضمن معرفی مفاهیم و ارزش‌های عمومی اخلاق در دو مرز نور و ظلمت چون؛ خوبی و بدی، حق و باطل، زشتی و زیبایی، تقوی و پرهیزکاری، زهد و پارسائی، عدل و انصاف، استبداد و ظلم، از ویژگیهای اخلاقی اسلام سخن گفته، فرق آن با دیگر مکتبها را روشن نموده، فهم و درک درست و علم و دانش، کردار نیک و گفتار نیکو، را به عنوان روشهایی که ارزش‌های اخلاقی را در جامعه پیاده می‌کنند معرفی کرده، با شدت با عناصر ویرانگر اخلاقی چون، خواهشات نفسانی، شیطان و اهریمن خرابکار، دنیاپرستی و مادیگری در ستیز است. البته قرآن دنیا را مزرعه آخرت شمرده، عمران و سازندگی آن را از اهداف خلقت انسانی معرفی کرده، تنها از مؤمنان خواسته با آن به عنوان یک وسیله ـ نه هدف ـ برخورد کنند. و مال و دنیا را در دستان باز خود بگذارند و اجازه ندهند دنیا در داخل دلهایشان رسوب کند و یا کفهای دست‌هایشان بسته گردد. مال وسیله‌ای است برای رفع نیازهای خود و رسیدن به دیگران، نه چپاول جامعه برای انباشتن ثروت!.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| نیم نانی گر خورد مرد خدا |  | بذل درویشان کند نیم دگر |
| ملک اقلیمی بگیـرد پادشـاه د |  | همچنان در بند اقلیمی دگر |

این اساسنامه سازنده انسان را با خالق و آفریدگارش آشنا می‌سازد. و این آشنایی را راهی برای وجود یک رابطه صمیمی و دوستی همراه با حمد و سپاس و شکر، و عبادت و پیروی و فرمانبرداری، ترس و امید، تواضع و فروتنی، و خواهش و تمنا قرار می‌دهد.

پس از برقراری این رابطه مستقیم و صمیمی دیگر انسان در این دنیای فانی احساس تنهایی نمی‌کند، او همیشه در پناه خدا، و زیر نظر مستقیم اوست. شرم از او، احساس به هیبت و بزرگی او، انسان را از هر دست درازی و تجاوز به حقوق دیگران بازمی‌دارد. و همواره او را به ادای مسئولیتهایش تشویق می‌کند. انسان برای رسیدن به رضایت و خشنودی پروردگار روز بروز خود را با ارزشهای اخلاقی برتر می‌آراید.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| مـهـر به خـشنـودی دلهـا گـذار |  | تـا ز تـو خـشنـود شـود کـردگـار |
| درد سـتـانی کـن و درمـانـدهی |  | تـا رســانـدت بـــه فـرمـانـدهی |

اسلام در پی پایه‌ریزی جامعه‌ای پارسا و با تقوا است که حرکات و سکنات آن برای رسیدن به اوج ارزشهای اخلاقی و مثالگرایی است. جامعه‌ای که بشریت می‌تواند با دیدن آن پروردگار و خالق خود را بشناسد. جامعه‌ای که با زبان ارزش‌های رفتاری همه را بسوی الله تعالی دعوت می‌کند.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| گرم شو از مهر و زکین سرد باش |  | چون مه و خـورشید جوانمرد باش |
| هـر کـه به نیکی عمل آغـاز کرد |  | نیــکی او روی بــدو بــاز کــرد |

نظری گذرا به فلسفه عبادت در اسلام این حقیقت را روشن‌تر می‌سازد. نماز، روزه، حج، و زکات که اساس و پایه‌های عبادی دین مبین اسلام شناخته می‌شوند، راهکارها و مشق‌های الهی برای رسیدن به تقوا و پرهیزکاری می‌باشند:

قرآن در مورد نماز چنین می‌گوید:

﴿ٱتۡلُ مَآ أُوحِيَ إِلَيۡكَ مِنَ ٱلۡكِتَٰبِ وَأَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَۖ إِنَّ ٱلصَّلَوٰةَ تَنۡهَىٰ عَنِ ٱلۡفَحۡشَآءِ وَٱلۡمُنكَرِۗ وَلَذِكۡرُ ٱللَّهِ أَكۡبَرُۗ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ مَا تَصۡنَعُونَ ٤٥﴾ [العنكبوت: 45].

«آنچه را از این کتاب به تو وحی شده است، بخوان و نماز را برپا دار، یقیناً نماز از کارهای زشت، و کارهای ناپسند باز می‌دارد؛ و همانا ذکر الله بزرگ‌تر است، و الله آنچه را انجام می‌دهید، می‌داند».

و از پیام آور توحید **ص** آمده که ایشان از پروردگار یکتا روایت می‌کنند، الله **أ** فرموده‌اند: «تنها نماز کسی را می‌پذیرم که با نمازش در مقابل بزرگی و عظمت من فروتنی نماید، و بر بندگانم تکبر نورزد، و شب را با اصرار بر گناه و نافرمانی من به بالین نرود، و تمام روز در یاد من باشد، و بر بینوایان و از راه ماندگان و بیوه زنان شفقت ورزیده، بر مصیبت زدگان رحم نماید».

|  |
| --- |
| مکـــــن روی در قبله، بی‌صدق نیت |
| که رســــوا کنــــد تیر کــج را نشانه |
| بی حضور قلب «مخلص»، در دعا تأثیر نیست |
| فتح آن اقلیم، کِیْ با دسـت تنهـــا می‌شــود؟ ج |

و زکات شیوه‌ای است برای کاشتن تخم مهر و محبت و برادری و همبستگی افراد جامعه، و پاکی دل و جان از پستیها و حرص و آز و مال پرستی و مادیگری:

﴿خُذۡ مِنۡ أَمۡوَٰلِهِمۡ صَدَقَةٗ تُطَهِّرُهُمۡ وَتُزَكِّيهِم بِهَا وَصَلِّ عَلَيۡهِمۡۖ إِنَّ صَلَوٰتَكَ سَكَنٞ لَّهُمۡۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ١٠٣﴾ [التوبة: 103].

«تو از اموال مؤمنان صدقات را دریافت دار که بدان صدقات نفوس آنها را پاک و پاکیزه می‌سازی و رشد و برکت می‌دهی، و آنها را به دعای خیر یاد کن که دعای تو در حق آنان موجب تسلّی خاطر آنها شود و الله شنوا و داناست».

و روزه مدرسه‌ای است نمونه برای تربیت نفس بشری، و مهار کردن خواسته‌ها و شهوت‌های نفسانی. از رسول اکرم **ص** آمده: «آن کس که سخن باطل و زورگویی را رها نمی‌کند، الله را هیچ نیازی نیست که او از خوردن و نوشیدن خودش را بازدارد». و همچنین فرموده‌اند:"روزه از خورد و نوش نیست، روزه از بدگویی و بیهودگیهاست، اگر کسی به شما دشنامی داد، یا بدی نمود، بگو: من روزه‌ام".

قرآن کریم میوه این عبادت بزرگ را در تقوا و پرهیزکاری خلاصه می‌کند:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُتِبَ عَلَيۡكُمُ ٱلصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ ١٨٣﴾ [البقرة: 183].

«ای اهل ایمان، بر شما هم روزه واجب گردید چنانکه امم گذشته را فرض شده بود، و این دستور برای آن است که پاک و پرهیزکار شوید».

حج یا کنفرانس سالانه وحدت و هماهنگی و برادری و برابری بشر برای رسیدن به معانی اخلاقی است:

﴿ٱلۡحَجُّ أَشۡهُرٞ مَّعۡلُومَٰتٞۚ فَمَن فَرَضَ فِيهِنَّ ٱلۡحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي ٱلۡحَجِّۗ وَمَا تَفۡعَلُواْ مِنۡ خَيۡرٖ يَعۡلَمۡهُ ٱللَّهُۗ وَتَزَوَّدُواْ فَإِنَّ خَيۡرَ ٱلزَّادِ ٱلتَّقۡوَىٰۖ وَٱتَّقُونِ يَٰٓأُوْلِي ٱلۡأَلۡبَٰبِ ١٩٧﴾ [البقرة: 197].

«حجّ (واجب) در ماههایی معیّن است، پس هر که در این ماهها حج می‌گزارد بایست آنچه میان زن و شوهر رواست ترک کند و کار ناروا (مانند دروغ و بدگویی) را ترک کند و مجادله نکند، و شما هر کار نیک کنید الله بر آن آگاه است و توشه (تقوا برای راه آخرت) برگیرید که بهترین توشه این راه تقواست و از من پروا کنید ای صاحبان عقل».

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| بیـا تا جهان را به بـد نسپـریـم |  | به کوشش همه دست نیکی بریم ج |
| نبـاشد همـه نیک و بد پایـدار |  | همان بـه که نیکی بود یادگـار… |

سلوک رفتاری فرد در قرآن کریم از ناحیه؛ دستورات و قوانین سازنده، معرفی منطقه ممنوعه، و منطقه آزاد مورد بحث قرار گرفته است...

در منطقه ممنوعه «تابلوی ایست» جلوی هر صفت رفتاری ویرانگر و اخلاق زشت قرار می‌گیرد! قرآن از پیروان خود می‌خواهد صفات زیر را بکلی از شخصیت خود پاک کنند:

[خودکشی (البقرة/195) ، دروغگوئی: (الحج / 30 ، النحل / 105) ، دوروئی: (البقرة / 204 ـ 206)، بخیلی: (الحشر / 9. البقرة / 268. النساء / 37) ، [اسراف و زیاده روی:](http://www.alhikmeh.com/arabic/akhlaq/quran/fardi/f2a.htm" \l "6) (الإسراء / 26 ـ 27) ، [ریاء:](http://www.alhikmeh.com/arabic/akhlaq/quran/fardi/f2a.htm#7) (النساء / 38. الماعون / 4 -7) ، [خودنمائی:](http://www.alhikmeh.com/arabic/akhlaq/quran/fardi/f2a.htm" \l "8) (لقمان / 18. الإسراء / 37.)، [تکبر و غرور:](http://www.alhikmeh.com/arabic/akhlaq/quran/fardi/f2a.htm" \l "9) (النحل / 23. النساء / 49. سورة النجم / 32.)،  [پز دادن به توان و دانش:](http://www.alhikmeh.com/arabic/akhlaq/quran/fardi/f2a.htm#10) (سورة الكهف / 32ـ 42. القصص / 78.غافر / 83.) ، [دنیاپرستی:](http://www.alhikmeh.com/arabic/akhlaq/quran/fardi/f2a.htm" \l "11) (الكهف / 28. طـه / 131.)، [آز و طمع و حسادت:](http://www.alhikmeh.com/arabic/akhlaq/quran/fardi/f2a.htm" \l "12) (النساء / 54. النساء / 32.)، [ناامیدی، و غرور:](http://www.alhikmeh.com/arabic/akhlaq/quran/fardi/f2a.htm#13) (آل عمران / 153. الحدید/ 23.)، [زنا و فحشا:](http://www.alhikmeh.com/arabic/akhlaq/quran/fardi/f2a.htm" \l "14) (الإسراء / 32. النور / 2.)، [شرابخوری:](http://www.alhikmeh.com/arabic/akhlaq/quran/fardi/f2a.htm" \l "15) (المائدة / 90 ـ 91. الأعراف / 157. البقرة / 173.)،  [همه فسادهای اخلاقی و مادی:](http://www.alhikmeh.com/arabic/akhlaq/quran/fardi/f2a.htm" \l "16) (التوبة / 108. المدَّثر / 4 ـ 5.)، [حرامخوری:](http://www.alhikmeh.com/arabic/akhlaq/quran/fardi/f2a.htm" \l "17) (النساء / 29. البقرة / 188. البقرة / 275 ـ 276. النساء / 6. النساء /10. البقرة / 174. النور / 33. النساء / 5).

در سلوک فردی منطقه‌ای نیز به عنوان منطقه آزاد یا دایره جواز مطرح شده که عبارت است از: استفاده و لذت بردن از تمامی طیبات و چیزهای پاک و پسندیده (سورة المائدة/87. سورة البقرة / 172. الأعراف / 26. سورة الأعراف / 31).

کتاب راهنمایی که از سوی الله **أ** برای بشریت فرستاده شده، دستورات و قوانین زیر را بر هر فرد واجب الاجراء قرار داده است:

پویایی و آموزش: (النحل / 43، الأنبیاء/7)، تعلیم و تعلم: (التوبة / 122)، [پاکی](http://www.alhikmeh.com/arabic/akhlaq/quran/fardi/f1a.htm" \l "طهارة النفس) و طهارت نفس: (الشمس / 7ـ 10. الشعراء / 69ـ 89. ق / 31 ـ 33)، [استقامت](http://www.alhikmeh.com/arabic/akhlaq/quran/fardi/f1a.htm" \l "الاستقامة) و پایداری: (فصلت / 6. هود / 112.)، عفت و پاکدامنی: (النور / 30 ـ 31. النور / 33. النور / 60. المؤمنون / 1ـ7. الأحزاب / 32 ـ 33.)، عدم پیروی از هوی و هوس: (النازعات / 40 ـ 41. ص / 26. النساء / 135.)، کنترل شهوت شکم و شرمگاه: (البقرة / 183 ـ 185. البقرة / 187. البقرة / 222.)، کنترل خشم و غضب: (آل عمران / 134.)، راستگویی: (التوبة / 119. الأحزاب / 70. الزمر / 33.)، تواضع و نرم‌خوئی: (لقمان / 19. الفرقان / 63.)، دوری از بدگمانی: (الحجرات / 12. الحجرات / 6. النساء / 94.)، شایعه‌پراکنی: (الإسراء / 36.)، صبر و شکیبائی: (المدثر / 7. النحل / 127. آل عمران /200. البقرة / 214. العنكبوت / 1 ـ 3. العنكبوت / 10. آل عمران / 186. سورة البقرة / 155.)، الگو گیری [از پیامبران:](http://www.alhikmeh.com/arabic/akhlaq/quran/fardi/f1a.htm#القدوة الحسنة) (الأحقاف / 35. الأحزاب / 21. الصف / 14.)، میانه روی[:](http://www.alhikmeh.com/arabic/akhlaq/quran/fardi/f1a.htm#الاعتدال) (الإسراء / 110. الفرقان / 67. الإسراء / 29. الرحمن / 7 ـ 9.)، کردار نیکو[:](http://www.alhikmeh.com/arabic/akhlaq/quran/fardi/f1a.htm#الأعمال الصالحة) (هود / 7. الكهف / 7. سورة الملک /2)، رقابت در خیر[:](http://www.alhikmeh.com/arabic/akhlaq/quran/fardi/f1a.htm#التنافس) (البقرة / 148. المائدة / 48.)، پیروی از خیر و نیکی (الزمر / 17 ـ 18)، اخلاص[:](http://www.alhikmeh.com/arabic/akhlaq/quran/fardi/f1a.htm#إخلاص السرائر) (البقرة / 272. النساء / 114).

در رابطه با سلوک اجتماعی نیز قرآن "تابلوی ایست" خود را جلوی مجموعه‌ای از اخلاقیات زشت و ویرانگر قرار داده، تا نشاید فرد آن محدوده را تجاوز کرده، باعث اخلال در روند ساختار سلیم جامعه گشته، امنیت و آرامش مردم بهم خورد. در اینجا به برخی از این اخلاقیات ناپسندی که به دستور قرآن هر فرد مسلمان باید از آنها بشدت دوری جوید اشاره می‌کنیم:

خیانت در امانت: (الأنفال / 27)، آدم آزاری: (الأحزاب / 58)، استبداد و ستم: (طه / 111. الشورى / 40. الفرقان / 19.)، همکاری با متجاوزان: (المائدة / 2.)، دفاع از خائنان: (النساء / 105. النساء / 107)، بی‌وفائی به عهد و پیمان: (النحل / 91. آل عمران / 75 ـ 77.)، خیانت و مکر و حیله: (النساء / 107 ـ 108.)، گواهی دروغ: (الحج / 30)، کتمان حق: (البقرة / 283. البقرة / 159)، دشنام و ناسزاگویی: (النساء / 148 ـ 149)، بدرفتاری با یتیمان و بینوایان: (الضحى / 9 ـ 10)، مسخره کردن: (الحجرات / 11)، حقارت مردم: (لقمان / 18)، جاسوسی: (الحجرات / 12.)، تهمت زدن و غیبت کردن: (الهمزة / 1. الحجرات / 12. المجادلة /9)، گوش دادن به شایعات: (الحجرات / 6)، تهمت زدن به زنان پاکدامن: (النور / 4 ـ 5. النور / 15 ـ 18. النور / 19. النور / 24 ـ 25)، شفاعت و وساطت در شر: (النساء / 85).

هر جامعه‌ای برای برقراری استقرار و ثبات نیاز به برخی ضوابط و قوانین اخلاقی دارد که ضایع شدن آنها باعث پاره شدن نخی می‌گردد که افراد جامعه را بهم پیوسته، قرآن مجموعه‌ای از قواعد و اصول اخلاقی را در این زمینه وضع کرده که هر فطرت و سرشت پاکی در مقابل آنها به پاس احترام خواهد ایستاد. از آن جمله است:

امانتداری: (النساء / 58. البقرة / 283)، وفاء به عهد و پیمان: (المائدة / 1. الإسراء / 34. البقرة / 177. الرعد / 19 ـ 20)، گواهی راستین: (الأنعام / 152. النساء / 135)، پیوند آشتی بین افراد درگیر: (الحجرات / 10. الأنفال / 1. النساء 114)، شفاعت نیکو: (النساء / 85)، رحم و شفقت بهمدیگر: (الفتح / 29. المائدة / 54. البلد / 17 ـ 18)، نیکی و احسان بخصوص به بینوایان: (البقرة / 215. النساء / 36)، گذشت: (الشورى / 37)، خوبی در جواب زشتی: (الرعد / 22. فصلت / 34)، دعوت به نیکی و بازداشتن از بدی: (المائدة / 2. آل عمران / 104. سوره العصر. آل عمران / 187. البقرة 159)، برادری و سخاوت: (الحشر / 9)، عدالت و شفقت و احسان: (النحل / 90)، گذشت و انفاق در راه خدا: (البقرة / 219. الطلاق / 7).

در کنار ضوابط و قوانین اخلاقی بالا، قرآن کریم اساسنامه‌ اخلاقی برای هر شخص مقرر می‌کند تا در تمامی مراحل زندگی شخصی مورد اجرا قرار گیرد. اینگونه مسائل که در ظاهر بسیار شخصی و خاص فرد است در ساختار سلوکی او بسیار مؤثر و بیانگر شخصیت او می‌باشند، از آن جمله است:

اجازه گرفتن قبل از دخول بر حوزه دیگران: (النور / 27 ـ 29. النور / 58 ـ 59.)، آرام سخن گفتن: (الحجرات / 2 ـ 4)، سلام قبل از داخل شدن: (النور / 61)، جواب سلام با عباراتی بهتر از سلام: (النساء / 86.)، احترام مجلس: (المجادلة / 11)، سخن شیرین و مؤدبانه: (الإسراء / 53)، اجازه گرفتن قبل از انصراف: (النور : 62).

همانطور که قرآن برای فرد و جامعه اصول و قواعد اخلاقی وضع کرده، چهار دیواری خانواده که مهمترین کیان جامعه می‌باشد را از هر طرف با برنامه‌های اخلاقی زینت داده است. جای دارد در اینجا به نمونه‌هایی از آن اشاره کنیم:

مسئولیت‌های متقابل پدران و فرزندان

نیکی به والدین، و آرام سخن گفتن با آنها، و اطاعت از آنها: (النساء / 36. الإسراء / 23 ـ 24. لقمان / 14 ـ 15).

احترام زندگی فرزندان: (الأنعام / 151. الإسراء / 31. التكویر /8،9،14).

تربیت فرزندان و خانواده: (الأحزاب /59. التحریم / 6).

مسئولیت‌های متقابل شوهر و همسر

دستورات و قوانین مربوط به ازدواج: (النساء / 22. النساء / 23. البقرة / 221. النور / 3. النساء / 24. المائدة / 5).

ویژگی‌ها و صفات نیک و پسندیده همسران: (النساء / 34. التحریم / 5. الاحزاب / 28 ـ 29).

رضایت متبادل: (النساء / 19. البقرة / 232).

مهریه: (النساء / 4. المائدة / 5. النساء / 24).

ضوابط و قوانین چند همسری: (النساء / 3).

زندگی مشترک یا رابطه مقدس ازدواج: (النساء / 1).

ازدواج برای امنیت روحی و مهر و محبت همسران: (الروم / 21).

مشورت و همدلی: (البقرة / 233).

رفتار و تعامل نیک در همه حالات زندگی: (الطلاق / 1ـ 2. الطلاق / 6. النساء / 19. النساء /129).

صلح و آشتی در خانه: (النساء / 128).

قرآن كریم پس از بنای ساختار اخلاقی فرد، خانواده و جامعه، آنها را به مرحله‌ای بالاتر راهنمایی می‌کند، و آن چیزی جز برپایی حکومت و نظامی بر اساس ویژگیهای اخلاقی و قانونی کتاب آسمانی نیست. فرامینی اخلاقی و رستاخیز که شرافت و کرامت هر فرد را تضمین کرده، دود خودکامگی و فرعون‌منشی را از جامعه زدوده، آزادی و احترام افراد جامعه را بطور کامل حفظ می‌کند. در این راستا قرآن روابط اخلاقی متقابلی بین رهبر و ملت، و اصول و قوانینی اخلاقی در رابطه با نحوه برخورد با ملت‌های دیگر، وضع کرده است.

از جمله روابط متقابل مسئولین و توده مردم می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

1. واجبات و مسئولیت‌های رهبر

لطف و نرمی و مشاورت با مردم در نحوه اداره مملکت، و پایبندی به اتفاق نهایی (آل عمران/ 159)، عدالت و امانتداری (النساء/58)، برپایی امنیت (المائدة/33-34)، حفاظت از اموال عمومی و عدم تصرف بی‌جا در آن (آل عمران/161)، جلوگیری از احتکار ثروت در دست گروهی (الحشر/7)، حفظ حقوق اقلیت‌ها (المائدة/42 – 48).

1. مسئولیت‌های مردم

احترام قانون و نظام (الحشر/7)، پیروی از دستورات رهبر به شرط مطابقت با شریعت الهی (النساء/59)، وحدت و یکپارچگی (آل عمران/103، الروم/ 31- 32)، مشاورت در قضایای عمومی (الشوری 36-38)، دوری از دوستی و همکاری با دشمنان (الممتحنة/ 1، 8، 9 ، المجادلة /22، آل عمران/ 38)،

و در رابطه با سلوک رفتاری با بیگانگان چنین ضوابطی را در قرآن کریم می‌خوانیم:

1. در حالت‌های عادی

اهتمام به صلح و آشتی عمومی (التوبة/ 128)، دعوت آنها با حکمت و درایت و پند و اندرز نیکو (النحل/121 ، العنکبوت/46)، مجبور نکردن آنها برای پذیرش دین (البقرة/ 256، الغاشیة/ 21- 22)، عدم اهانت به معتقدات دیگران (الأنعام/ 108)، دوری از استبداد، خودکامگی و فساد (القصص/ 83)، عدالت، نیکی و حسن جوار (الممتحنة/ 8).

1. در حالت‌های اضطراری و جنگ و ستیز

تجاوز نکردن (المائدة/2)، آتش بس در ماههای حرام (التوبة/ 36)، امنیت اماکن مقدسه (البقرة/191)، جنگیدن تنها با جنگجویان (البقرة/190)، فرار نکردن از میدان کارزار (الأنفال/15)، ثبات و پایداری (الأنفال/ 45- 46)، صبر و شکیبائی (آل عمران/200، آل عمران/139)، نهراسیدن از مرگ (آل عمران/ 154، 156، النساء/ 77-78 ، آل عمران/ 171-174)، بیداری و احتراز از مکر و حیله و نقشه دشمنان (البقرة/ 191، 217)، تسلیم نشدن و قبول کردن آتش بس (محمد/ 35، البقرة/ 192-193، الأنفال/61-63، النساء/94)، وفا به عهد و میثاق (المائدة/1)، برخورد شدید با خائنان (الأنفال/58)، پایبندی به تمامی شرطها و معاهدات هر چند به ضرر باشد (النحل/91-92)، احترام برادری انسانی (النساء/1، الحجرات/13).

با توجه به آنچه رفت، بر ما واضح و روشن گشت که قرآن كریم اساسنامه رفتار و سلوک انسانی در مقابل با خود، دیگران، و پروردگار یکتاست. و یک گزارش مفصل از کشف جوانب اخلاقی و تربیتی قرآن، کتابی با هزار و یک من ورق می‌طلبد، که از دایره این گزیده بیرون است.

نویسنده سعی دارد در صفحات آتی به صورتی بسیار گذرا به شمه‌ای از جوانب اخلاقی سوره حجرات اشاره کند. بدون شک کتابچه حاضر توان جمع کردن اقیانوس در یک کوزه تنگ را ندارد، و البته چنین ادعایی هم مطرح نیست. تنها تلاش مؤلف برقراری نوعی آشتی و عشق و محبت و سوز دل بین شما خواننده عزیز و قرآن کریم؛ کلام پروردگار یکتاست.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| هر آن دل را که سوزی نیست دل نیست |  | دل افسرده غیر از آب وگل نیست |

پس از برقراری این رابطه دوستی و صمیمیت انسان در آینه شفاف قرآن كریم عیب‌های خود را دریافته، سعی می‌کند آنها را از سیرت و سرشت خود پاک کند:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| آن کو قبول کرد و پذیرفت عیب خویش |  | از باده غرور تهی گشت ساغرش |
| آن کس که عیب خویش نداشت چون بقا |  | اید گرفت آینه‌ای در برابرش |

زحمت و تلاش نویسنده توانا بسیار قابل ارج و تقدیر است، و از باریتعالای یکتا تمنای آن دارم زحمت بیدریغ این جوان فرخنده را مورد قبول و رضایت خویش قرار داده، من و ایشان و همه جوانان برومند مسلمان را به اخلاق قرآن آراسته، سربازانی قرار دهد در راستای تحقق یافتن مرام قرآن...

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| مدتی گفتار بی‌کردار کردی مرحمت |  | روزگاری هم به من کردار بی‌گفتار ده |

دفتر دوم  
روزنه

بار الها! سپاس و ستایش فقط از آن توست كه در كلام مجیدت راه و روش سالم وشیوة معقول زندگی را به بشریت آموختی، و عالم انسانیت را به سوی سعادت و رستگاری و اخلاق پسندیده هدایت نمودی تا بندگان متعهد و مخلصت طرز تفكر سالم و راه و رسم زندگی ثمر بخش و درست را بدانند و از این رهنمود‌های سودمند استفاده نمایند.

كریما! ترا سپاس میگوئیم به نعمت بزرگ قرآن، ترا سپاس می‌گوئیم به نعمت هدایت و به همراه اشک شوق و نیاز جبین سپاس و ستایش به آستان مهر گسترت می‌سائیم، حقا كه حمد و سپاس بی‌پایان سزاوار خالق یكتائی است كه بشر را از بین تمامی موجودات به شرف ﴿عَلَّمَهُ ٱلۡبَيَانَ﴾ نائل گردانیده، با خلعت ﴿عَلَّمَ بِٱلۡقَلَمِ﴾ و ﴿عَلَّمَ ٱلۡإِنسَٰنَ مَا لَمۡ يَعۡلَمۡ﴾ مشرف و مزین فرمود، و درود و سلام فزون از حد، به بشیران و نذیران و هادیان طریق حق و رستگاری و ترسانندگان از راه‌های وحشت و گمراهی و خصوصاً بر سرور كائنات و بهترین اولاد آدم حضرت محمد بن عبدالله و آل و اصحاب ایشان باد.

خواننده گرامی!

قرآن چون مونس و همدمی است كه انسان را در زندگی دنیا كه میدان رنج است و زحمت و سراسر سختی و مشقت همراهی می‌كند، نوریست كه راه درست و حقیقت را روشن می‌نماید، و معلمی است كه به انسان اخلاق و آداب زندگی می‌آموزد، و راهنمائی است كه دست انسان را گرفته او را از میان تاریکیها و ضلالت و گمراهی به راه راست وهدایت راهنمائی می‌كند، لذت و زیبائی قرآن را تنها كسانی درک می‌كنند كه با چشم بینا و قلب آکنده از ایمان با قرآن زندگی كرده آنرا درک نموده‌اند.

قرآن كریم وحی الله تبارک و تعالی و كلام مجید او می‌باشد. كتاب جاویدانی است كه در آن اسماء و صفات باریتعالی، عقیده و ایمان، معجزات قدرت و رحمت واسع خالق یكتا بیان می‌گردد، وقتی انسان با قرآن زندگی می‌كند، چه شرفی بالاتر ازین برای اوست كه اللهِ خالق و توانا از میان تمامی موجودات او را برگزیده با او سخن می‌گوید!

ای انسان!**...** ای مسلمانان!... ای كسانیكه ایمان آورده‌اید!... ای بندگان من!...

این عباراتی است كه الله تعالی در كتاب جاویدان خود با آن انسان‌ها را مخاطب قرار داده‌است، در حالیكه انسان و كوكبی كه در آن زندگی میكند در مقابل شكوه و عظمت مخلوقات باریتعالی ذره‌ای بیش نمی‌باشد، اما چون رحمت و فضل آفریدگار یکتا شامل حال انسان‌ها گردید با فرستادن پیامبران و کتاب‌های آسمانی به ویژه قرآن مجید كه بر سرور پیامبران و رسولان؛ حضرت محمد مصطفی ص نازل شد انسان را قدر و منزلت عالی بخشیده است.

آری! قرآن كریم كتاب بزرگی است كه برآخرین پیامبران حضرت محمد ص نازل گردید، و ایشان با اخلاق والایی كه بر گرفته از این كتاب مقدس بود كوشیدند انسان‌ها را از تاریكی گمراهی به سر منزل سعادت و تكامل راهنمائی نمایند. و یاران و اصحاب وفادارشان كه شاگردان این مكتب الهی و نسل تربیت یافته قرآن مجید بودند در راه رساندن این پیام بزرگ الهی و بر افراشتن پرچم توحید و محو ظلم و شرک و كفر و بر قراری حكومت عدل الهی و مساوات و برادری در بین انسانها فداكاری و جان‌فشانی‌ها نمودند.

قرآن كریم این كتاب مقدس الهی پرتویی است از حقایق مهمی چون، عقیده، شریعت، قانون و نظام، اخلاق و تربیت، و تهذیب و انسان سازی در اسلوبی بسیار شیوا، و به روشی که خالق بشر برای او در نظر گرفته است. از جمله اهدافی‌كه پیامبران ‡ برای تحقق آن فرستاده شده‌اند تنظیم امور زندگی بشر به صورت دقیق، هدایت و راهنمائی او به راه راست؛همان راه حق و حقیقت می‌باشد. قرآن كریم كه آخرین كتاب آسمانی است در هر سوره و آیه مبارک آن مسائلی چون، عقیده و عبادت، ادب و اخلاق، و چگونگی اداره امور زندگی ذكر گردیده است تا باشد كه با تربیت سالم این انسان خاكی به مقام و منزلتی كه الله تبارک وتعالی برایش برگزیده است نائل گردد.

از بین سوره‌های بزرگ قرآن كریم كه حقایق عقیده،برنامه شریعت، راه و رسم انسانیت، مرام ادب و الفبای اخلاق را در لابلای خود دارد سوره «حجرات» می‌باشد.

الله تبارک و تعالی در این سوره مباركه در کمال صراحت و وضوح به مسلمانان ارشاد می‌فرماید: شیوه زندگی شما با سائر انسانها فرق دارد، یعنی مسلمانان باید در جامعه بشری اسوه و نمونه اخلاق باشند، و جامعه اسلامی نمادی از عدالت اجتماعی، نهایت احترام و ادب با پروردگار عالم، نهایت احترام و تبجیل در مقابل پیک و فرستاده و رسول برگزیده او ص و نهایت احترام و ادب در مقابل سایر انسانها،باید باشد.

هر شخصی كه به الله و رسولش ایمان می‌آورد باید به تمامی معانی اخلاقی و آداب اسلامی آراسته گردد، چنانكه قرآن كریم بدان امر نموده است.

مسلمانان باید دارای قلب پاک و زبان عفیف و اخلاق پسندیده باشند، الله تبارک وتعالی در این سوره مبارک به مسلمانان می‌آموزد چگونه با پیامبر ص سخن بگویند و چه آدابی را مراعات نمایند، و همچنین این سوره مبارکه بر موضوع بسیار مهمی انگشت نهاده که امنیت و استقرار جامعه را می‌تواند تضمین کند، و آن شیوه برقراری صلح و آرامش بین مسلمانانی است که آتش فتنه میانه‌ی آنها را بهم زده‌است.

و همچنان به برپا نمودن رابطۀ برادری ای که بر اساس اخلاص و صداقت و رضایت الله متعال باشد امر نموده است.

و چون او تعالى می‌خواهد كه این رابطه همیشگی و مستحكم باشد مسلمانان را از تمسخر یكدیگر، عیب‌جوئی، وغیبت و گمانهای بد و ناحق منع می‌كند و تاكید دارد كه هدف از پیدایش اقوام و قبائل مختلف، شناخت و معرفت است و مرتبه و مقام در نزد الله تبارک و تعالی فقط در تقوی و پرهیزگاری است، و در آخر این سوره بزرگ صفات نیكوی مؤمنان ذكر گردیده است، از اینرو می‌توانیم این سورۀ مبارک را «سورۀ اخلاق» بنامیم و این را بدانیم كه درجات ایمان به درجات اخلاق نیک وابسته است چنانچه رسول اللهص فرموده‌اند:

«أَكْمَلُ المُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا» (سنن الترمذي) «كامل‌ترین مؤمنان در ایمان خوش‌اخلاق‌ترین‌شان می‌باشند».

در جای دیگری فرموده‌اند؛ بهترین شما كسانی‌اند كه اخلاق شان نیكو باشد، و همچنان فرموده‌اند كه رستگاری در اخلاق نیكو می‌باشد.

پیامبر بزرگ اسلام ص وعده داده‌اند:

«كسی كه اخلاقی پسندیده داشته باشد دارای خانه‌ای در بالاترین درجه بهشت خواهد بود».

چنانچه حضرت جابر روایت كرده كه رسول اللهص فرموده‌اند:

«إِنَّ مِنْ أَحَبِّكُمْ إِلَيَّ وَأَقْرَبِكُمْ مِنِّي مَجْلِسًا يَوْمَ القِيَامَةِ أَحَاسِنَكُمْ أَخْلَاقًا» (سنن الترمذي) «همانا از محبوب‌ترین و نزدیک‌ترین شما در مجلس من روز قیامت خوش اخلاق‌ترین شما می‌باشد».

جهانی که اسلام در پی ساختن آن می‌باشد، جهانی است دارای دل و درون پاک‌، دارای احساسها و اندیشه‌های پاک‌، زبان پاک‌، و پیش از هر چیز رازها و رمزهای پاک ... جهانی است که با الله متعال پروردگار و خالق خود ادب دارد. با پیغمبر ص ادب دارد. با خودش ادب دارد. با دیگران نیز ادب دارد. سراپا ادب و اخلاق است حتی در افکار و اندیشه‌ها و خاطره‌های گذرایی که بر دل و درونش می‌گذرد! و در حرکات و سکناتش در فرهنگ و نظام اجتماعی و در قوانین و سیاست و اقتصاد.. اصلا به سادگی می‌توان گفت پایه و اساس و تار و پود جامعۀ اسلامی بر اساس ادب و اخلاق بنا شده است....

امیدوارم الله متعال به همه ما برادران و خواهران مسلمان توفیق عنایت فرماید تا پیرو قرآن كریم و سنت رسول اللهص باشیم، و دستورات و احكام آنرا كه برای سعادت ما مسلمانان و سایر بشریت است را جامه عمل بپوشانیم، و شكر گذار این لطف وكرم الهی باشیم كه چگونگی امور زندگی را به ما آموخته است.

از پروردگار یکتا الله و خالق بشریت مسألت دارم؛ این کوشش ناچیز مرا در ترازوی حسنات و نیکی‌های این بنده ناچیز و سایر برادران عزیزی که در تصحیح و بازنگری آن همکاری نموده‌اند قرار دهد! از بارگاه رب العزت والجلال برای شما خواننده عزیز و دوستانی که در به ثمر رسیدن این کتاب نقشی داشته‌اند، و برای تمامی برادران و خواهران مسلمان طول عمر و سعادت در دو جهان استدعا دارم.

اللهم صلِّ وسلِّم على عبدك ورسولك محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين، والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين.

محمد عبداللطیف انصاری

رمضان 1421ﻫ ق

ادب و اخلاق با الله تعالی و رسول اللهص

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تُقَدِّمُواْ بَيۡنَ يَدَيِ ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦۖ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٞ ١﴾ [الحجرات: 1].

«ای مؤمنان! (هیچ‌گاه) در برابر الله و پیامبرش پیش‌دستی نکنید؛ و تقوای الله پیشه سازید. به ‌یقین الله، شنوای داناست».

اولین و اساسی‌ترین اقتضای ایمان این است كه هر کس الله أ را پروردگار و آفریدگار خود و رسول اللهص را هادی و رهبر خود می‌داند و در ایمان و عقیده خود صادق است هیچگاه نمی‌تواند فكر و نظر خود را بر حكم الله و رسول الله مقدم بدارد، و یا در مسائل سرسری و بدون مراجعه پروردگار و پیک او اتخاذ رأی نماید، و این نكته را باید مد نظر داشت كه فرمان برداری و اطاعت از الله متعال و پیامبر ص وقتی حاصل می‌شود كه خوف و هراس الله تبارک و تعالی در دل باشد درین صورت انسان به دستورات الله و پیامبر گرامی ص عمل می‌كند و اگر این خوف وجود نداشته باشد انسان تابع خواهشات نفسانی خود می‌شود و ظاهراً با كلماتی چند خود را در صف مؤمنین میشمارد اما به دلیل اینکه ایمان به قلب وی راه نیافته است محروم از سعادت دارین می‌گردد.

می‌توانیم این آیه مبارک را اساس و بنیاد قانون اسلام قرار دهیم. زیرا هیچ انسانی حق ندارد در جائیكه از جانب الله قادر وتوانا و رسول محبوبش ص حكمی آمده باشد قانونی وضع نماید. در حدیث شریف آمده که:

«أن رَسُولَ اللَّهِ لَمَّا أَرَادَ أَنْ يَبْعَثَ مُعَاذًا إِلَى الْيَمَنِ قَالَ: «كَيْفَ تَقْضِي إِذَا عَرَضَ لَكَ قَضَاءٌ؟»، قَالَ: أَقْضِي بِكِتَابِ اللَّهِ، قَالَ: «فَإِنْ لَمْ تَجِدْ فِي كِتَابِ اللَّهِ؟» ، قَالَ: فَبِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ، قَالَ: «فَإِنْ لَمْ تَجِدْ فِي سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ، وَلَا فِي كِتَابِ اللَّهِ؟» قَالَ: أَجْتَهِدُ رَأْيِي، وَلَا آلُو. فَضَرَبَ رَسُولُ اللَّهِ صَدْرَهُ، وَقَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَفَّقَ رَسُولَ، رَسُولِ اللَّهِ لِمَا يُرْضِي رَسُولَ اللَّهِ». (سنن أبی داود) «هنگامیكه رسول الله ص معاذ ابن جبل را برای قضاوت به یمن فرستادند از او پرسیدند كه با چه چیز درمیان آنها حكم خواهی كرد. عرض كرد: با كتاب الله، فرمودند: اگر درباره چیزی در كتاب الله حكمی نیافتی، عرض كرد: به سنت پیامبر ص. فرمودند: اگر در كتاب الله و سنت رسول الله نیافتی؟ عرض كرد: خودم اجتهاد خواهم نمود و در این امر کوتاهی نخواهم کرد. آنگاه رسول الله ص دست مبارک خود را بر سینه او گذاشته فرمودند: سپاس پروردگاری را كه به نماینده پیامبر خود توفیق پیمودن راهی را عطا نموده كه مورد پسند پیامبر اوست».

پس ای مسلمانان باید هیچ حكمی را بر حكم الله تبارک و تعالی و رسول گرامیص مقدم ندارید . پیش از اخذ امر الله و پیامبرش عملی را انجام ندهید. و در جائیكه حكمی و دستوری از طرف الله و پیامبرش وجود دارد شما حكمی و قانونی صادر نكنید. یعنی؛ همیشه گوش بفرمان الله و رسولش باشید. الله متعال می‌فرماید:

﴿فَلۡيَحۡذَرِ ٱلَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنۡ أَمۡرِهِۦٓ أَن تُصِيبَهُمۡ فِتۡنَةٌ أَوۡ يُصِيبَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [النور: 63].

«پس آنان كه فرمان او (یعنی رسول الله) را مخالفت مى‏كنند، باید بترسند از اینكه فتنه‏اى دامنشان را بگیرد، یا عذابى دردناک به آنها برسد».

و از همۀ امامان مذاهب اربعه از جمله امام ابی حنیفه (رحمهم الله) نقل شده كه فرموده‌اند: هر گاه سخنی از ما را مخالف با قرآن و حدیث رسول اللهص یافتید قول ما را به دیوار بزنید.

و در مسند امام احمد وترمذی از عدی بن حاتم ‌ روایت است كه رسول الله ص آیه: ﴿ٱتَّخَذُوٓاْ أَحۡبَارَهُمۡ وَرُهۡبَٰنَهُمۡ أَرۡبَابٗا مِّن دُونِ ٱللَّهِ﴾ [التوبة: 31] «(اهل كتاب) دانشمندان و راهبان خویش را معبودهایى در برابر الله قرار دادند». را خواندند، عدی می‌فرماید: گفتم یا رسول الله ما آنها را پرستش نمی‌كردیم. رسول الله ص فرمودند: مگر آنها حلال‌های الله را حرام، و حرام‌های الله را، حلال نمی‌كردند و شما از آنها می‌پذیرفتید؟

گفتم: چنین می‌كردند. فرمودند: همین است پرستش آنان.

مطلب قابل توجه اینست كه متأسفانه امروز، اوضاع به قدری دگرگون شده كه بهترین عمل در نزد توده مردم عبارت است از پرستش پیشوایان دینی با نام، ولایت، و پرستش علما، با نام فقه و دانش. وپرستش دجالان دین فروش با نام، پیر، و نحوه پرستش دیگری با رنگ و بوی سیاسی با نام، رهبر، حتی وضعیت، به جائی رسیده كه بسیاری از جاهلان و انسانهای غیر صالح، ‌مورد پرستش قرار می‌گیرند!.

الله مى‌فرمايد:

﴿أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ يَزۡعُمُونَ أَنَّهُمۡ ءَامَنُواْ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيۡكَ وَمَآ أُنزِلَ مِن قَبۡلِكَ يُرِيدُونَ أَن يَتَحَاكَمُوٓاْ إِلَى ٱلطَّٰغُوتِ وَقَدۡ أُمِرُوٓاْ أَن يَكۡفُرُواْ بِهِۦۖ وَيُرِيدُ ٱلشَّيۡطَٰنُ أَن يُضِلَّهُمۡ ضَلَٰلَۢا بَعِيدٗا ٦٠﴾ [النساء: 60].

«آیا ندیدى كسانى را كه گمان مى‏كنند به آنچه (از كتابهاى آسمانى كه) بر تو و بر پیشینیان نازل شده، ایمان آورده‏اند، ولى مى‏خواهند براى داورى نزد طاغوت و حكام باطل بروند؟! با اینكه به آنها دستور داده شده كه به طاغوت كافر شوند. اما شیطان مى‏خواهد آنان را گمراه كند، و به بیراهه‏هاى دور دستى بیفكند».

اینكه ما ایمان داریم، ربوبیت و الوهیت، مختص ذات الله می‌باشند، مستلزم اینست كه الله را در حكم و قانونگذاری نیز یگانه بداینم.

از اینرو توحید و تحقق «لا إله إلا الله» وقتی مصداقیت پیدا می‌كند كه بندگان، در تحكیم نیز، به آنچه الله نازل كرده و رسول اللهص فرموده‌اند، روی بیاورند وتسلیم بشوند. زیرا ترک كردن حكم الله و روی آوردن به قانون بشری، كفر به الله و معارض با توحید، محسوب می‌شود. استاد محمد ابراهیم در كتاب «تحكیم القوانین» می‌نویسد: كفر بزرگ و آشكار، این است كه قانون بشری جای وحی الهی را كه بر قلب سید المرسلین نازل شده تا به عنوان قانون الهی برای بندگان تعیین شود ، بگیرد. و این عمل مقابله با وحی و ضد اسلام است.

الله متعال می‌فرماید:

﴿أَفَحُكۡمَ ٱلۡجَٰهِلِيَّةِ يَبۡغُونَۚ وَمَنۡ أَحۡسَنُ مِنَ ٱللَّهِ حُكۡمٗا لِّقَوۡمٖ يُوقِنُونَ٥٠﴾ [المائدة: 50].

«آیا آنها حكم جاهلیت را (از تو) مى‏خواهند؟! و چه كسى بهتر از الله، براى قومى كه اهل یقین هستند، حكم مى‏كند؟!».

حكم و یا قانون جاهلی، عبارت است از آنچه اهل جاهلیت بر یكدیگر حكم می‌كردند. قانون جاهلی، ساخته دست بشر و ساختۀ پارلمانها و مجالس به اصطلاح دموکراتیک می‌باشد. و اجرای آن قوانین به معنای اطاعت از بشر و شرک محسوب می‌شود. و شركت کنندگان در آن در عبادت اطاعت و حرف شنوی دچار شرک شده‌اند.

و امام نووی از عبد الله بن عمر روایت كرده است رسول الله ص فرمودند: «هیچ یک از شما، مؤمن نمی‌شود تا خواسته‌هایش تابع شریعت من نباشد». (یعنی هیچ کس مؤمن شمرده نمی‌شود مگر اینکه خواسته‌هایش تابع شریعت من باشد).

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَرۡفَعُوٓاْ أَصۡوَٰتَكُمۡ فَوۡقَ صَوۡتِ ٱلنَّبِيِّ وَلَا تَجۡهَرُواْ لَهُۥ بِٱلۡقَوۡلِ كَجَهۡرِ بَعۡضِكُمۡ لِبَعۡضٍ أَن تَحۡبَطَ أَعۡمَٰلُكُمۡ وَأَنتُمۡ لَا تَشۡعُرُونَ ٢﴾ [الحجرات: 2].

«ای مؤمنان! صداهایتان را فراتر از صدای پیامبر نبرید و با او آن‌گونه سخن نگویید که با یکدیگر سخن می‌گویید تا مبادا بی‌آنکه دریابید، اعمالتان نابود شود».

یعنی صدای خود را بالاتر از صدای پیامبر ص نبرید و مراد سخن گفتن كسانی است كه در خدمت پیامبر ص مشرف می‌شدند، منظور از این دستور این بود كه ای اهل ایمان در گفتگو و ملاقات با پیامبر ص حداكثر احترام او را نگه دارید.

صدای كسی از صدای آن حضرت بلندتر نباشد زیرا با یک فرد عادی و همتای خود مخاطب نیستید، بلكه با رسول و پیامبر خدا ص مخاطبید، و بر همه مردم لازم است در مواردیكه ذكر آن حضرت در میان باشد و یا حكمی و حدیثی از ایشان نقل شود باید همین طور رفتار نمایند، و همچنان وقتی مسلمانان به زیارت مسجد رسول الله ص و قبر مبارک ایشان مشرف می‌شوند آداب ذكر شده را مراعات نمایند. ابن‌كثیر/ می‌فرماید: بلندكردن‌ صدا در برابر قبر رسول‌ اكرم ‌ص نیز همچون‌ بلند كردن‌ صدا در حیات‌شان‌ مكروه‌ است‌، زیرا آن‌ حضرت ‌ص برای‌ همیشه‌ در زندگی‌ و مرگ ‌محترم‌اند.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصۡوَٰتَهُمۡ عِندَ رَسُولِ ٱللَّهِ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ ٱمۡتَحَنَ ٱللَّهُ قُلُوبَهُمۡ لِلتَّقۡوَىٰۚ لَهُم مَّغۡفِرَةٞ وَأَجۡرٌ عَظِيمٌ ٣﴾ [الحجرات: 3].

«بی‌گمان آنان که صداهایشان را نزد رسول‌الله پایین می‌آورند، همان کسانی هستند که الله، دل‌هایشان را برای تقوا آزموده و پرورده است. آنان، آمرزش و پاداش بزرگی دارند».

آنانیكه پیامبر ص را آرام و محترمانه مخاطب قرار میدادند و اكنون نیز در برابر حكم الله و رسولش فرمان بردار هستند الله تبارک و تعالی آنها را آزموده و پاكیزه كرده است امتحان الله نسبت به دل بنده آن است كه دلش را نشانه انواع محنت‌ها و تكلیف‌ها گردانیده تا صدق ایمانش به واسطه فرمان برداری و صبر آشكار شود و تقوای آن ظاهر گردد و از آزمایش پاک بیرون آید.

از ابن‌عباس روایت شده که فرمود: این‌ آیه‌ درباره‌ ابوبكر صدیق نازل‌ شد كه‌ بعد از نزول‌ آیه‌ دوم‌ از این‌ سوره‌، تصمیم‌ گرفت‌ كه‌ دیگر با رسول‌ اكرم ‌ص جز به‌ طور بسیار آهسته‌ و پوشیده‌ كه‌ گویی‌ راز می‌گوید، سخن‌ نگوید.

قاضی‌ ابوبكربن‌عربی‌ می‌فرماید: «حرمت‌ رسول‌ الله ص در حال‌ وفات‌، همچون‌ حرمت‌ ایشان‌ در حال‌ حیات ‌است‌ و سخن‌ منقولشان‌ بعد از وفاتشان‌ در والایی‌ و رفعت‌ و عظمت‌ خود، همچون‌ سخن‌ مسموع‌ از زبانشان‌ در حال‌ حیات‌ ایشان‌ است،‌ پس‌ چون‌ سخن‌ ایشان ‌خوانده‌ می‌شود بر هر شخص‌ حاضری‌ واجب‌ است‌‌ صدای‌ خویش‌ را از آن‌ بلندتر نكند و از آن‌ روی‌ نگرداند چنان‌ كه‌ این‌ كار در حیات‌ ایشان‌ واجب‌ بود. البته‌ الله تعالی‌ در آیه: ﴿وَإِذَا قُرِئَ ٱلۡقُرۡءَانُ فَٱسۡتَمِعُواْ لَهُۥ وَأَنصِتُواْ لَعَلَّكُمۡ تُرۡحَمُونَ ٢٠٤﴾ [الأعراف: 204]. «و چون‌ قرآن‌ خوانده‌ شود، به‌ آن‌ گوش‌ بسپارید و خاموش‌ مانید تا مشمول‌ رحمت‌ شوید» بر ضرورت‌ دوام‌ و استمرار این‌ احترام‌ در گذر زمانها توجه‌ داده‌ است‌ زیرا سخن‌ رسول‌ وی‌ ص نیز از وحی‌ بوده‌ و حرمتی‌ همانند قرآن‌ دارد.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِن وَرَآءِ ٱلۡحُجُرَٰتِ أَكۡثَرُهُمۡ لَا يَعۡقِلُونَ ٤ وَلَوۡ أَنَّهُمۡ صَبَرُواْ حَتَّىٰ تَخۡرُجَ إِلَيۡهِمۡ لَكَانَ خَيۡرٗا لَّهُمۡۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٥﴾ [الحجرات: 4-5].

«بیشترِ کسانی که تو را از پشت اتاق‌ها صدا می‌زنند، نمی‌دانند. و اگر صبر کنند تا به سویشان بیرون بروی، به‌طور قطع برایشان بهتر است. و الله، آمرزنده‌ی مهربان می‌باشد».

آنها نمی‌دانند تو چه مقام والائی در پیش الله داری، و باید با تو محترمانه رفتار كنند.

مراد از حجرات اطاق‌های همسران پاک رسول الله ص است كه در كنار مسجد نبوی تهیه شده بود.

افرادی از دور، پیامبر ص را صدا می‌زدند كه بیرون بیا.

ازین آیات مباركه معلوم می‌شود كه در دین اسلام مقام پیامبر ص از چه عظمتی بر خوردار است، كیفر سوء ادب نسبت به پیامبر ص در نزد الله أ همانند كیفر كفر میباشد، كوچكترین بی‌ادبی و بی‌احترامی نسبت به مقام پیامبر ص گناه بزرگی است كه میتواند همه اعمالی که انسان در طول زندگی خود بدست آورده را باطل سازد، این مطلب به روشنی اثبات میكند دلی كه از احترام پیامبر ص تهی باشد از ایمان كامل و تقوی نیز خالی میباشد. در برابر پیامبر ص صدا را بلند كردن و نافرمانی آن حضرت ص را نمودن نه تنها سوء ادب است بلكه علامت عدم وجود تقوا در دل نیز می‌باشد.

شايعه پراکنی و سخن چینی

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِن جَآءَكُمۡ فَاسِقُۢ بِنَبَإٖ فَتَبَيَّنُوٓاْ أَن تُصِيبُواْ قَوۡمَۢا بِجَهَٰلَةٖ فَتُصۡبِحُواْ عَلَىٰ مَا فَعَلۡتُمۡ نَٰدِمِينَ ٦﴾ [الحجرات: 6].

«ای مؤمنان! اگر فاسقی برای شما خبری آورد، به‌خوبی بررسی کنید تا مبادا ندانسته به عده‌ای آسیب برسانید و بدین ترتیب بر کردۀ خویش پشیمان شوید».

در این آیه مباركه‌ الله تبارک و تعالی به مؤمنان دستور می‌دهد هر گاه خبری مهم كه نتیجه بزرگی را در پی دارد به شما برسد قبل از پذیرفتن آن بنگرید آورنده آن خبر چگونه آدمی است اگر او شخصی فاسق باشد یعنی از ظاهر حال او پیدا باشد كه لیاقت اعتماد را ندارد در آن صورت قبل از اقدام بر اساس خبر او تحقیق كنید واقعیت چیست؟ طوریكه مشاهده میشود بیشتر دشمنی‌ها و جنگ‌ها در بین مردم و گروها به سبب شنیدن و اعتماد كردن به اخبار و احوال دروغ و فتنه انگیز پدید می‌آید، كه سبب عجله در عكس العمل بدون تحقیق و اثبات می‌باشد كه ضرر جبران ناپذیر به هر دو طرف می‌رساند و در نتیجه پشیمانی به بار می‌آورد.

الله تعالی به این دلیل كلمه فاسق را ذكر نموده كه اكثراً سبب اینگونه نزاعات افراد فاسق هستند، زیرا فاسق دروغگو می‌باشد.

پس برای جلو گیری از نزاعات وكشمكش‌ها و بروز فتنه و فساد در بین دو برادر و یا در بین خانواده‌ها و جامعه نباید به گمان‌ها و اخبار غیر دقیق توجه شود بلكه باید بین خبر فرد صالح و شخص فاسق تفاوت وجود داشته باشد. اخباری كه به گوش ما می‌رسد بدون تحقیق و بررسی جدی گرفته نشود بلكه باید به اسلوب و شیوه مناسب منبع اساسی آن دریافت شود و موضوع به شكل مسالمت آمیز حل و فصل گردد تا مبادا سبب برپائی فتنه و فساد در بین مسلمانان گردد. كه در آن وقت هر دو طرف مورد عذاب الهی قرار خواهند گرفت.

و گاهی اتفاق می‌افتد كه شخص فاسقی در بین دو نفر یا دو گروه به شیطنت و سخن چینی می‌پردازد تا آنها را به جان هم انداخته از یكدیگر دور نماید پس بر همه مسلمانان واجب است اینگونه افراد را بشناسند و بدون تحقیق و بررسی به حرف‌های آنها گوش ندهند تا از شیوع هر گونه فتنه و دشمنی جلو گیری شود و مورد قهر و غضب الله تعالی واقع نگردند، مبادا آن سبب خسران دنیا و آخرت آنها شود، در چنین مواقعی به کار گرفتن صبر و شكیبائی و حكمت و كاردانی امری ضروری می‌باشد.

همچنین خبر و یا سخن کسی را به دیگری گفتن بزرگترین و اساسی‌ترین عامل قطع روابط و شعله‌ورساختن آتش کینه و عداوت میان مردم محسوب می‌گردد، و تعالی سخن‌چین را مذمت نموده است، می‌فرماید:

﴿وَلَا تُطِعۡ كُلَّ حَلَّافٖ مَّهِينٍ ١٠ هَمَّازٖ مَّشَّآءِۢ بِنَمِيمٖ ١١﴾ [القلم: 10-11].

«و از هیچ سوگندخوردندۀ فرومایه‌ای فرمان مبر و از هیچ عیب‌جویی که به سخن‌چینی در رفت و آمد است».

بله به حرف کسانی که به‌ ناروا سوگند بسیار می‌خورند گوش مده و از آنها فرمان مبر از صفات آنها این است که در رأی‌ و اندیشه‌ و تمییز حقیر هستند . هماز كسی‌ است‌ كه‌ مردم‌ را در پیش ‌رویشان‌ به‌ بدی‌ یاد می‌كند، و‌ لماز كسی‌ است‌ كه‌ مردم‌ را در پشت‌ سرشان‌ به‌ بدی ‌یاد می‌كند، یعنی‌ به‌ غیبت‌ آنان‌ مبتلاست‌. مشاء بنمیم: كسی‌ است‌ كه‌ در میان‌ مردم ‌در پی‌ سخن‌چینی‌ می‌رود تا میانه‌ آنان‌ را بهم‌ زند.

حذیفه می‌فرماید: پیامبرص فرمودند:

«لَا يَدْخُلُ الجَنَّةَ قَتَّاتٌ» (صحيح البخاری) «سخن‌چین به بهشت داخل نمی‌گردد».

ابن عباس می‌فرماید: پیامبر ص از کنار باغی از باغ‌های مدینه عبور می‌کردند و آنجا صدای دو نفر را شنیدند که در قبرهای‌شان دچار عذاب بودند، آن حضرت ص فرمودند: «این دو شخص دچار عذاب هستند، البته عذاب آنان به خاطر گناه بزرگی نیست، سپس فرمودند **–** آری یکی از آنان از ادرار خویش پرهیز نمی‌کرد، و آن دیگری سخن‌چینی می‌کرد». (فتح الباری)

یکی از صورت‌های زشت سخن‌چینی فریفتن زن علیه شوهر و عکس آن، و بهم‌زدن روابط میان آنان است، و همچنین این که برخی از کارمندان یک اداره سخن بعضی از همکاران خود را به مدیر و مسؤل اداره می‌رسانند و بدین وسیله مسؤل اداره را نسبت به کارمندان بدگمان نموده و به آنان ضرر می‌رسانند، و این کار نیز حرام و ناجایز می‌باشد.

حرمت رسول الله ص

﴿وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ فِيكُمۡ رَسُولَ ٱللَّهِۚ لَوۡ يُطِيعُكُمۡ فِي كَثِيرٖ مِّنَ ٱلۡأَمۡرِ لَعَنِتُّمۡ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ حَبَّبَ إِلَيۡكُمُ ٱلۡإِيمَٰنَ وَزَيَّنَهُۥ فِي قُلُوبِكُمۡ وَكَرَّهَ إِلَيۡكُمُ ٱلۡكُفۡرَ وَٱلۡفُسُوقَ وَٱلۡعِصۡيَانَۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلرَّٰشِدُونَ ٧﴾ [الحجرات: 7].

«و بدانید رسول‌الله در میان شماست (و باید در تعامل با او ادب داشته باشید)؛ اگر در بسیاری از کارها از شما پیروی کند، به‌طور قطع گرفتار رنج و سختی می‌شوید. ولی الله، ایمان را محبوب شما گردانیده و آن را در دل‌هایتان آراسته و کفر و فسق و نافرمانی را برایتان ناپسند نموده است. چنین کسانی هدایت ‌یافته‌اند».

در این آیه بیان میگردد كه اگر پیامبر ص از شما اطاعت كند و به رأی و نظریه شما گوش بدهد پس یقیناً به مشقت و سختی گرفتار میگردید و سبب نابودی شما خواهد شد زیرا پروردگاری كه زمین وآسمانها را آفریده است آگاه و داناست به آنچه كه باید انجام گیرد و به آنچه كه سبب سعادت دارین انسان‌ها میگردد و پیامبر ص هر آنچه را كه میفرمایند وحی و از جانب الله تعالی بوده و نباید سخن دیگری بر آن ترجیح داده شود.

﴿وَمَا يَنطِقُ عَنِ ٱلۡهَوَىٰٓ ٣ إِنۡ هُوَ إِلَّا وَحۡيٞ يُوحَىٰ ٤﴾ [النجم: 3-4].

«و از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید. سخنش، چیزی جز وحی نیست که به او نازل می‌شود».

آنچه‌ كه محمد ص بدان‌ نطق‌ می‌كند وحی‌ از جانب‌ الله تعالی است‌ كه‌ به‌ سوی‌ او فرستاده ‌می‌شود و او نه‌ در آن‌ كم‌ می‌كند و نه‌ می‌افزاید. در حدیث‌ شریف‌ از عبدالله بن‌عمرو روایت‌ شده‌ است‌ كه‌ فرمود: من‌ هر چیزی‌ را كه‌ از رسول‌ اكرمص می‌شنیدم‌، می‌نوشتم‌ تا‌ آنها را حفظ و نگه‌داری‌ كنم. سپس قریش‌ مرا از این‌ كار نهی‌ نموده‌ گفتند: تو هر چیزی‌ را كه‌ از رسول‌ الله ص می‌شنوی‌ می‌نویسی‌ در حالی‌كه‌ ایشان‌ نیز بشرند و گاهی‌ در حال‌ خشم‌ سخن ‌می‌گویند. آنگاه از نوشتن‌ دست‌ كشیده‌ این‌ موضوع‌ را با رسول ص در میان‌ گذاشتم‌، ایشان‌ فرمودند:

«اكْتُبْ فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا خَرَجَ مِنِّي إِلَّا حَقٌّ» (مسند امام احمد) «بنویس‌ زیرا سوگند به‌ ذاتی‌ كه‌ جانم‌ در اختیار اوست، از زبان‌ من‌ جز حق‌ چیز دیگری‌ بیرون‌ نیامده‌ است».

﴿فَضۡلٗا مِّنَ ٱللَّهِ وَنِعۡمَةٗۚ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٞ ٨﴾ [الحجرات: 8].

«(و این،) به فضل و نعمتی از سوی الله (می‌باشد). و الله، دانای حکیم است».

و می‌داند چه كسی شایسته هدایت و بایسته مرحمت و نعمت است؟

اگر مسلمانان در همه امور پایبند به اوامر الهی و سنت نبوی باشند الله تعالی آنها را به راه راست هدایت می‌كند و از نعمت ایمان بهره‌مند میسازد و فضیلت و لذت و زیبائی ایمان را برای شان هویدا مینماید و سعادت دارین را در اطمینان قلبی نصیب‌شان می‌گرداند و نور ایمان را در قلب‌شان تجلی می‌دهد.

اصلاح در بین مسلمانان

﴿وَإِن طَآئِفَتَانِ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٱقۡتَتَلُواْ فَأَصۡلِحُواْ بَيۡنَهُمَاۖ فَإِنۢ بَغَتۡ إِحۡدَىٰهُمَا عَلَى ٱلۡأُخۡرَىٰ فَقَٰتِلُواْ ٱلَّتِي تَبۡغِي حَتَّىٰ تَفِيٓءَ إِلَىٰٓ أَمۡرِ ٱللَّهِۚ فَإِن فَآءَتۡ فَأَصۡلِحُواْ بَيۡنَهُمَا بِٱلۡعَدۡلِ وَأَقۡسِطُوٓاْۖ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُقۡسِطِينَ٩﴾ [الحجرات: 9].

«و اگر دو گروه از مؤمنان با یکدیگر جنگیدند، میانشان صلح برقرار کنید. و اگر یکی از این دو گروه، به گروه دیگر تجاوز نمود، با گروه متجاوز بجنگید تا به حکم الله بازگردد».

درین آیه مباركه الله حكیم و دانا می‌فرمایند: اگر دو گروه از اهل ایمان با هم بجنگند.

این كلمات بطور طبیعی دلالت می‌كند كه جنگیدن با یكدیگر شیوه اهل ایمان نیست و نباید چنین چیزی روی دهد، و نه از آنان انتظار آن میرود كه با وجود مؤمن بودن با یكدیگر بجنگند!.

درگیر شدن گروه‌های مسلمان از نظر الله متعال حالت بسیار ناپسندی است كه اصلا نباید روی دهد، زیرا جنگ در بین مسلمانان اساساً حرام قرار داده شده است چنانچه رسول اكرم ص در خطبۀ عید قربان در مکه مکرمه فرمودند:

«فَإِنَّ دِمَاءَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ عَلَيْكُمْ حَرَامٌ، كَحُرْمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا، فِي شَهْرِكُمْ هَذَا، فِي بَلَدِكُمْ هَذَا، إِلَى يَوْمِ تَلْقَوْنَ رَبَّكُمْ، أَلَا هَلْ بَلَّغْتُ؟، قَالُوا: نَعَمْ، قَالَ: اللَّهُمَّ اشْهَدْ». (بخاری) «خون‌ها، مال‌ها و ناموس‌های شما بر یکدیگر حرام است، همانند حرمت این روز در این ماه در این سرزمین تا آنکه به ملاقات پروردگارتان بروید. آگاه باشید! آیا ابلاغ کردم؟ ...گفتند بله! فرمودند: بارالها! شاهد باش».

و در صحیح مسلم از ابوهریره روایت شده رسول اللهص فرمودند: «خون، مال، و ناموس هر مسلمانی بر سایر مسلمانان حرام است».

از آنجا که عوامل درگیری و اختلاف بسیار است و جلوگیری از آن بس دشوار و مشکل، پروردگار متعال راهکاری برای پیشگیری از پیامدهای ناگوار تفرقه قرار داده،آنان را به فرمانبرداری از آموزه‌های قرآن کریم و سنت پیامبرش دستور داده‌است. زیرا این تنها راهی است که آنان را به اهدافشان می‌رساند و عدالت تحقق می‌یابد و قلب‌ها به آرامش می‌رسد. الله أ می‌فرمایند:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُواْ ٱلرَّسُولَ وَأُوْلِي ٱلۡأَمۡرِ مِنكُمۡۖ فَإِن تَنَٰزَعۡتُمۡ فِي شَيۡءٖ فَرُدُّوهُ إِلَى ٱللَّهِ وَٱلرَّسُولِ إِن كُنتُمۡ تُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِۚ ذَٰلِكَ خَيۡرٞ وَأَحۡسَنُ تَأۡوِيلًا ٥٩﴾ [النساء: 59].

«ای مومنان! از الله اطاعت کنید و از پیامبر و صاحبان امور خویش فرمانبرداری نمایید و هرگاه در چیزی اختلاف کردید، آن را به الله و پیامبر بازگردانید؛ اگر به الله و رستاخیز ایمان دارید. این بهتر است و سرانجام بهتری دارد».

حال اگر میان مومنان جنگ و درگیری رخ دهد، باز هم پروردگار متعال آنان را به حال خود رها نمی‌کند تا یکدیگر را از میان ببرند، بلکه در این مورد نیز آنها را راهنمایی کرده که به چه راهی بروند و چه روشی در پیش گیرند تا اینکه جنگ پایان یابد و آتش فتنه خاموش شود و صلح برپا گردد. پروردگار متعال می‌فرماید: «و اگر دو گروه از مؤمنان با یکدیگر جنگیدند، میانشان صلح برقرار کنید. و اگر یکی از این دو گروه، به گروه دیگر تجاوز نمود، با گروه متجاوز بجنگید تا به حکم الله بازگردد». در این فرمان الهی، رحمت و خیرخواهی بی‌نهایتی نسبت به مومنان مشاهده می‌شود.

در جایی دیگری الله متعال می‌فرمایند:

﴿وَأَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَلَا تَنَٰزَعُواْ فَتَفۡشَلُواْ وَتَذۡهَبَ رِيحُكُمۡۖ وَٱصۡبِرُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلصَّٰبِرِينَ ٤٦﴾ [الأنفال: 46].

«و از الله و پیامبرش اطاعت نمایید و با هم نزاع نکنید که سُست می­­شوید و شکوهتان از میان می­رود و شکیبایی ورزید. به راستی الله با صابران است».

مسلمان برادر مسلمان است جان، مال و ناموس مسلمان بر مسلمان دیگری حرام است و كشتن مسلمانی به ناحق از جمله بزرگترین گناهان می‌باشد چنانچه الله متعال می‌فرمایند:

﴿وَمَن يَقۡتُلۡ مُؤۡمِنٗا مُّتَعَمِّدٗا فَجَزَآؤُهُۥ جَهَنَّمُ خَٰلِدٗا فِيهَا وَغَضِبَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِ وَلَعَنَهُۥ وَأَعَدَّ لَهُۥ عَذَابًا عَظِيمٗا ٩٣﴾ [النساء: 93].

«و هر کس مومنی را از روی قصد بکشد، جزایش دوزخ است و جاودانه در آن خواهد ماند؛ و الله بر او خشم گرفته، و او را از رحمتش دور نموده و عذاب بزرگی برایش آماده ساخته است».

پس مسلمانان وظیفه خود بدانند كه اگر جنگ و قتالی بین دوگروه مسلمان به وقوع پیوست آنها باید طبق اوامر و ارشادات الهی عمل نموده نخست سعی و كوشش به خرج دهند تا در بین آنها صلح بر قرار گردد و از خون ریزی جلوگیری شود و اگر یک گروه بر دیگری با وجود كوشش‌های اصلاحانه حمله نموده مرتكب ظلم و ستم گردید در آن صورت وظیفه دوم مسمانان این است كه با آن گروه متجاوز به قتال وجنگ برخیزند تا اینكه به فرمان الهی گردن نهند و آن را قبول نمایند، و از جنگ و تجاوز دست بكشند، و وقتی ترک تجاوز نمودند در بین آن دو گروه باید بدون تعصب و یا حمایت از گروه مخصوصی با بكارگیری عدالت و انصاف صلح و صفا بر قرار شود.

به عبارت دیگر هرگاه دوگروه از مسلمانان درگیر جنگ شدند مؤمنین نباید تماشاچی باشند بلكه هر زمانی این وضع اسفبار به وقوع پیوست باید همه اهل ایمان ناراحت شده هر كوششی كه برای بر قراری صلح از دست آنها بر می‌آید انجام دهند.

باید طرفین درگیر را به توقف جنگ توصیه كنند و آنها را از عذاب الله متعال بترسانند و با افراد بانفوذ یا افراد بر جسته طرفین درگیر تماس بگیرند علل و اسباب درگیری را بررسی نمایند و هر كوششی كه برای بر قراری صلح از دست آنها برآید را انجام دهند، این شایستۀ مسلمانان نیست كه دست متجاوز را باز بگذارند و مظلوم را به حالش رها سازند، چه رسد كه با متجاوز همكاری كنند! بلكه وظیفه آنها این است كه اگر همه تلاشهای آنها برای بر قراری صلح بین طرفین در گیر ناكام شد ببینند كه حق با چه طرفی است و چه كسی متجاوز است و آنگاه از كسی كه بر حق است حمایت نمایند و بر علیه متجاوز بجنگند. و لازم است كه در هر حالتی حكم الله و رسولش را در نظر گرفته از عدل و انصاف كار بگیرند.

پیامبرص می‌فرمایند: «انْصُرْ أَخَاكَ ظَالِمًا أَوْ مَظْلُومًا، فَقَالَ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَنْصُرُهُ إِذَا كَانَ مَظْلُومًا، أَفَرَأَيْتَ إِذَا كَانَ ظَالِمًا كَيْفَ أَنْصُرُهُ؟ قَالَ: «تَحْجُزُهُ، أَوْ تَمْنَعُهُ، مِنَ الظُّلْمِ فَإِنَّ ذَلِكَ نَصْرُهُ» (متفق عليه). «برادرت را یارى كن خواه ستمكار باشد یا ستمدیده، شخصی گفت : ای رسول الله ص اگر مظلوم بود او را یاری می‌کنم اما چگونه او را كمک كنم در حالیکه ظالم است؟ فرمودند: دست او را بگیر و از ادامه ظلم و ستم او را منع كن».

و فرمودند: «هر مسلمان كه مسلمانی دیگر را كه حرمت و آبرویش در خطر باشد، كمک كند، الله در مواردى كه او نیاز به كمک داشته باشد، او را كمک ویارى مى‏كند». (مسند امام احمد).

و فرمود: «هر كس از حیثیت و آبروى مسلمان دفاع كند، الله روز قیامت آتش دوزخ را از وى دور خواهد كرد». (مسند امام احمد).

مسلمانان با هم برادرند

﴿إِنَّمَا ٱلۡمُؤۡمِنُونَ إِخۡوَةٞ فَأَصۡلِحُواْ بَيۡنَ أَخَوَيۡكُمۡۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمۡ تُرۡحَمُونَ ١٠﴾ [الحجرات: 10].

«در حقیقت‌، مؤمنان‌ باهم‌ برادرند پس‌ میان‌ برادرانتان‌ صلح و صفا برقرار کنید و از الله ترس و پروا داشته باشید تا مورد رحمت‌ قرار گیرید».

این آیه برادری جهانی بین مسلمانان بر قرار میكند كه در بین پیروان ادیان و مذاهب دیگر دیده نمی‌شود برادری و برابری از جمله اصول و قواعد اجتماعی نظام اسلام میباشد اخوت یا برادری كه به اخلاص تمام بر اساس اسلام و ایمان باشد بالاتر و برتر از هر رابطه دیگری خواهد بود.

پیامبر اسلام ص نمونه این برادری را در صدراسلام به مسلمانان آموختند و به آنها نشان دادند كه برادری در راه دین چگونه باید باشد.

سلمان فارسی، صهیب رومی، بلال حبشی، سرداران قریش، سادات انصار، صحرا نشینها و برده‌های آزاد شده همه در كنار هم در كمال محبت برادروار زندگی نمودند. چون طبق دستور قرآن حكیم برادر و برابر خوانده شدند، و آنها نمونه و مثالی فراموش نشدنی از برادری و برابری به جهانیان تقدیم كردند. آیا نظام‌های خود ساخته بشر توانسته‌اند با این همه امكانات مادی خود چنین رابطه ای را به وجود آورند؟ آنها نتوانستند بین دو فرد عادی اینگونه رابطه‌ای را برقرار نمایند چه رسد به ساختار جامعه‌ای كه در آن همه برادر و برابر هم باشند. و طوریكه ملاحظه می‌شود یكی از بزرگ‌ترین بدبختی‌های مسلمانان در عصر حاضر همین دوری آنها ازین اصل اسلامی می‌باشد.

پس باید بدانیم چیزهائی‌که بر این برادری مترتب می‌گردد، این است که؛ محبت و مودت و صلح و صفا وتعاون و همکاری و اتحاد و اتفاق‌، اساس ‌کار و روابط اجتماعی در میان‌گروه مسلمانان است‌، و مخالفت و منازعت یا جنگ و جدال مستثنی است و باید همین‌که اختلافاتی روی داد آن را به اصل اسلامی که محبت و مودت و صلح و صفا و تعاون و همکاری و اتحاد و اتفاق است برگردانند.

حضرت معاذ روایت می‌كند رسول گرامی ص فرموده‌اند:

«قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: المُتَحَابُّونَ فِي جَلَالِي لَهُمْ مَنَابِرُ مِنْ نُورٍ يَغْبِطُهُمُ النَّبِيُّونَ وَالشُّهَدَاءُ». (سنن الترمذی) «الله أ فرمود: برای آنانیكه در راه من با هم مهر و محبت می‌ورزند منبرهایی از نور است كه پیامبران ‡ و شهداء برآن رشک می‌برند یعنی مقام آنها را انبیاء و شهداء آرزو میكنند و می‌پسندند».

همچنان پیامبر بزرگوار اسلام ص فرموده‌اند:

«إِنَّ المُؤْمِنَ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ يَشُدُّ بَعْضُهُ بَعْضًا، وَشَبَّكَ أَصَابِعَهُ». (صحيح البخاری) «مؤمن با مؤمن یعنی رابطه مسلمانها با همدیگر در تعاون و همكاری چون ساختمانی است كه گوشه‌ای از آن گوشه دیگر را مستحکم می‌کند. پس از آن رسول الله ص برای بیشتر روشنتر شدن مقصودشان انگشتان دو دست مبارک خود را به همدیگر در آوردند».

«بَايَعْتُ رَسُولَ اللَّهِ عَلَى إِقَامِ الصَّلاَةِ، وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ، وَالنُّصْحِ لِكُلِّ مُسْلِمٍ» [متفق علیه] «با رسول اللهص بر برپا داشتن نماز و دادن زکات و خیرخواهی برای هر مسلمان، بیعت نمودم».

و عبدالله ابن مسعود  روایت كرده است كه پیامبر ص فرموده‌اند: «إِنَّ قَتْلِ الْمُؤْمِنِ كُفْرٌ، وَإِنَّ سِبَابَهُ فِسْقٌ» «کشتن مومن کفر است و ناسزا گفتن به او فسق».

و ابوهریره روایت كرده كه پیامبرص فرموده‌اند:

«كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ؛ مَالُهُ، وَعِرْضُهُ، وَدَمُهُ» (سنن أبی داود) «مال و آبرو و جان هر مسلمان بر مسلمان دیگر حرام است».

و ابو سعید خدری روایت می‌كند كه پیامبرص فرمودند:

«الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ، لَا يَظْلِمُهُ وَلَا يَخْذُلُهُ، وَلَا يُسْلِمُهُ، حَسْبُ امْرِيءٍ مِنَ الشَّرِّ أَنْ يَحْقِرَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ». «مسلمان برادر مسلمان است، به او ظلم نمی‌كند، و او را رسوا نمی‌كند، و او را به دشمن تسلیم نمی‌کند، برای هلاکت یک مسلمان همین شر کافی است كه برادر مسلمان خود را خوار شمرده تحقیر كند».

و در بخاری و مسلم در روایت دیگری از پیامبر بزرگوار اسلام ص آمده است كه فرمودند:

«مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِى تَوَادِّهِمْ وَتَرَاحُمِهِمْ وَتَعَاطُفِهِمْ مَثَلُ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عُضْوٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالسَّهَرِ وَالْحُمَّى». «مثال مومنان در مودت و محبت و عاطفه‌ی موجود درمیانشان همانند یک پیکر است که اگر عضوی از اعضای آن به درد آید، سایر اعضای بدن با شب‌بیداری و تب همراهی‌اش می‌کنند».

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| بنی آدم اعضای یکدیگرند |  | که در آفرینش ز یک گوهرند |
| چو عضوی به درد آورد روزگار |  | دگر عضوها را نماند قرار |
| تو کز محنت دیگران بی‌غمی |  | نشاید که نامت نهند آدمی |

تمسخر و عیبجویی

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا يَسۡخَرۡ قَوۡمٞ مِّن قَوۡمٍ عَسَىٰٓ أَن يَكُونُواْ خَيۡرٗا مِّنۡهُمۡ وَلَا نِسَآءٞ مِّن نِّسَآءٍ عَسَىٰٓ أَن يَكُنَّ خَيۡرٗا مِّنۡهُنَّۖ وَلَا تَلۡمِزُوٓاْ أَنفُسَكُمۡ وَلَا تَنَابَزُواْ بِٱلۡأَلۡقَٰبِۖ بِئۡسَ ٱلِٱسۡمُ ٱلۡفُسُوقُ بَعۡدَ ٱلۡإِيمَٰنِۚ وَمَن لَّمۡ يَتُبۡ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ١١﴾ [الحجرات: 11].

«ای مؤمنان! هیچ گروهی نیاید گروه دیگری را مسخره کند؛ چه بسا (آنها که مسخره می‌شوند) از اینها (که مسخره می‌کنند) بهتر باشند. و نیز زنان نباید سایر زنان را مسخره نمایند. چه‌بسا زنانی که مسخره می‌شوند از زنانی که مسخره‌ می‌کنند، بهتر باشند. و به عیب‌جویی از یکدیگر نپردازید و همدیگر را با لقب‌های زشت صدا نزنید. پس از ایمان آوردن، فسق و بدکاری، نام و رسم بدی است. و کسانی که توبه نکنند، ستمکارند».

اعمالی زشتی كه درین آیه مبارک ذكر گردیده تمسخر و طعنه زدن و عیب جوئی كردن و به القاب و نام‌های بد و زشت یاد كردن دیگران می‌باشد.

در آیۀ قبلی ملاحظه شد كه الله تبارک و تعالی اخوت و صمیمیت و برادری را برای مؤمنان تلقین مینماید تا مبادا نزاع وكشمكش بین آنها بروز كند و اگر چنین شد چگونه با آن مقابله صورت گیرد و خاموش گردد.

و حالا راه‌ها و اسبابی كه منشأ و منبع اینگونه اعمال و اختلافات میباشد را بیان مینماید تا مسلمانان به آن توجه نموده آنرا ریشه كن سازندز در این آیه كریمه الله أ مؤمنان را از تمسخر و استهزا و ریشخند به یكدیگر منع می‌نماید.

بسیار دیده شده به سبب همین اعمال زشت بین افراد و گروه‌ها و خانواده‌ها اختلافات و كشمكش‌ها بروز کرده، این اعمال ناپسند چه بر اساس زبانی و قومی و ملی باشد و چه بر اساس سایر مسائل همه و همه گناه بس بزرگ محسوب می‌گردد، و پروردگار دانا در كتاب مجیدش آنرا منع فرموده است.

مراد از مسخره كردن فقط به استهزاء گرفتن با زبان نیست بلكه ادا درآوردن یا تقلید صدا و راه رفتن كسی، یا خندیدن و اشاره كردن به سخن كسی، یا تقلید نحوه كار كردن كسی، یا پوزخند به سر و صورت و شكل و لباس كسی، یا متوجه كردن مردم بسوی عیب كسی به صورتی كه مردم به او بخندند، چه از باب شوخی و سر گرمی باشد یا جدی، همه اینها در حقیقت مسخره كردن است و گناه محسوب می‌شود.

البته بسیار جای تعجب دارد؛ احیانا شیطان می‌تواند در پوستین برخی افراد آنچنان رسوخ کند که آن کوته اندیشان سست بنیاد، مهار خود را بکلی در دستان اهریمن خانمانسوز رها کرده، به چیزهایی که بکلی از اختیار آنها بدور بوده، در صورت گرفتن آن هیچ نقشی نداشته‌اند، افتخار می‌ورزند و آنرا مایه برتری خود بر دیگران و تحقیر سایر افراد جامعه بشری می‌دانند! تو گویی آنها از خمیری دیگر سرشته شده‌اند!.

بسی مایه ننگ است کسی به رنگ و روی، یا نژاد و ملیت، و یا زبان و قومیت خود را بر دیگران برتری دهد، یا اینکه بر اساس همین ارزشهای فطری خارج از توان انسان دیگران را خوار و پست بشمرد!.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| ابلهی دیــد اشتـــری بچـرا |  | گفت نقشت همه کژ است چرا؟ ج |
| گفــت اشتـر اندرین پیکــار |  | عیب نقاش می‌کنی هشـــــدار |
| در کژی من مکن بعیب نگاه |  | تو زمن راه راست رفتن بخـــواه ج |

هیچ یک از ما؛ پدر و مادر، رنگ پوست و نژاد، کشور و زادگاه، زبان و قومیتش را انتخاب نکرده است. همه بر اساس حکمت الهی بدینصورت آفریده شده‌ایم، و در آنچه نقش تقدیر رقم زده، بر قالب ما تحمیل گشته هیچ جای فخر، و یا شرمی نیست. آنچه احیانا می‌تواند باعث فخر و یا سرشکستگی فرد شود همان اختیار و دست‌رنج خود اوست...

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| نه افغانیم و نه ترک و تتاریــم |  | چمن زادیم و از یک شاخساریم |
| تمیز رنگ وبو برما، حرام است |  | کـه ما، پروردهء یـک نوبـهاریم |

پس آنچه در اصل ممنوع است، این است كه كسی به هیچ وجه دیگری را مسخره نكند زیرا مسخره كردن حتماً احساس تكبر و خود بزرگ بینی و خوار و كوچک شمردن دیگران را در بر دارد و این چیزی است كه از نظر اخلاقی خیلی ناپسند است. علاوه برآن این چیز سبب ناراحتی و آزار دیگران نیز گشته فساد اجتماعی در پی دارد، و موجب بروز كینه و عداوت بین مسلمانان می‌شود.

به همین دلیل اللهِ حكیم و دانا این كار را حرام قرار داده‌است.

همچنین زخم زبان زدن، اتهام وارد ساختن و عیب‌جوئی نمودن صریح یا با اشاره، روابط مردم را با یكدیگر خراب نموده در جامعه دشمنی و كینه به وجود می‌آورد.

یكی دیگر از این گناهان بزرگ كه در این آیه به آن اشاره شده این است كه كسی را به اسمی یا لقبی صدا بزنی كه او آنرا دوست نداشته باشد و موجب اهانت او گردد. مثلاً كسی را فاسق و یا منافق نامیدن، یا كسی را لنگ وكور و فلج (لنگ) خواندن، و یا كسی را به عیبی كه در پدر یا مادر یا خانوادۀ او باشد ملقب ساختن، و یا پس از مسلمان شدن كسی را به اسم دین قبلی او موسوم كردن، شخصی و یا قبیله و خانواده‌ای را به اسمی موسوم كردن كه در آن مذمت و اهانت آنها باشد.

آری! برای شخص مؤمن این مطلب بسیار شرم آور و زشت است كه به عنوان شخص بد زبان و فاسق شهرت یابد.

آیا برای كسیكه به الله أ و رسول گرامی ص ایمان دارد و از عذاب روز آخرت می‌ترسد شرم آور نیست كه به این اوصاف پست معروف شود و به كاری دست بزند كه الله و رسول گرامی از آن به شدت منع فرموده‌اند.

بدگمانی و جاسوسی و غیبت

بدگمانی

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱجۡتَنِبُواْ كَثِيرٗا مِّنَ ٱلظَّنِّ إِنَّ بَعۡضَ ٱلظَّنِّ إِثۡمٞۖ وَ لَا تَجَسَّسُواْ وَلَا يَغۡتَب بَّعۡضُكُم بَعۡضًاۚ أَيُحِبُّ أَحَدُكُمۡ أَن يَأۡكُلَ لَحۡمَ أَخِيهِ مَيۡتٗا فَكَرِهۡتُمُوهُۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ تَوَّابٞ رَّحِيمٞ ١٢﴾ [الحجرات: 12].

«ای مؤمنان! از بسیاری از گمان‌های بد بپرهیزید که بی‌شک برخی از گمان‌ها، گناه است. و به کنجکاوی و تجسس (در کارهای دیگران) نپردازید و از یکدیگر غیبت نکنید. آیا هیچ‌یک از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد؟ بی‌گمان از این کار نفرت دارید. و تقوای الله پیشه کنید. به یقین الله، توبه‌پذیر مهربان است».

الله تبارک و تعالی در این آیه مباركه ابتدا اهل ایمان را از گمان بردن فراوان و از پیروی از هر گونه گمان باز داشته علتش را بیان كرده است که برخی از گمانها گناه میباشد، گمان بد و یا بدبینی عملی زشت و ناپسند است.

البته از گمان بردن مطلق منع نكرده است زیرا نوعی از گمان از نظر اخلاقی و دیانت پسندیده و مطلوب است، مثلاً گمان نیک در باره الله أ و پیامبر ص و گمان نیک در باره مؤمنان و كسانیكه انسان با آنها در رابطه است، و كسانیكه دلائل شرعی و منطقی برای بدبینی در باره آنها وجود نداشته باشد.

اما گمان‌هایی كه گناه است این می‌باشد، اینكه انسان بدون دلیل در باره دیگران سوء ظن و نظر بد داشته باشد، و یا در ابراز رأی درباره دیگران همیشه بنا را بر سوء ظن بگذارد، و یا در باره كسانیكه ظاهر حالشان بر صلاح شان دلالت دارد بد گمانی كند، همچنین این نیز گناه است كه در قول و فعل كسی احتمال خوبی و بدی برابر و یكسان باشد و ما بنا را بر سوء ظن گذاشته در باره او بد بین شویم، كسیكه از الله متعال می‌ترسد حتماً این احتیاط را در پیش خواهد گرفت كه در برخورد خود با مردم دچار لغزش و گناه نگردد چون گمان بد خود گناه است و سرچشمه گناهان دیگر و بزرگتری چون تهمت و تجسس و غیبت می‌گردد و هر گاه این عادات بد و زشت در میان مسلمانان شیوع پیدا كرد جنگ و نزاع و اختلاف و تفرقه و دشمنی بیشتر می‌گردد.

خاطرنشان‌ می‌شود در مورد حرمت‌ سوء ظن‌ رسول گرامی اسلام نیز ما را بی‌بهره نگذاشته در سخنانی بسیار آموزنده ما را از بیماریهای قلبی که سرچشمه بسیاری از آنها سوءظن می‌باشد بازداشته فرموده‌اند: «إِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ، فَإِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الْحَدِيثِ، وَلَا تَحَسَّسُوا، وَلَا تَجَسَّسُوا، وَلَا تَحَاسَدُوا، وَلَا تَدَابَرُوا، وَلَا تَبَاغَضُوا، وَكُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا». (بخاری و مسلم)

«شما را از ظن و گمان (سوءظن و بدبینی) بر حذر میدارم زیرا ظن و گمان دروغترین سخن به شمار میرود، و هرگز در پی یافتن عیوب دیگران نباشید و تجسس نکنید و به یکدیگر حسادت نورزید و به همدیگر پشت نکنید (از هم ناراحت و دلگیر نشوید) و بندگی الله را پیشه کنید در حالیکه با یکدیگر برادر (و مهربان) هستید».

سوءظن بزرگ‌ترین مانع همكاری‌های اجتماعی و اتحاد و پیوند دل‌هاست، و انسان را به زندگی فردی، گوشه گیری، انزوا و تک روی و مفاسد ناشی از این صفات می‌كشاند، سوءظن نمی‌گذارد انسان به دیگری اعتماد كند و پایه همكاری با او را بریزد و با كمک او به حل مشكلات بشتابد. بدبینی سرچشمه عداوتها، و گاهی مایه اصلی جنگها و نزاع‌های خونین می‌شود. چه بسیار خانواده‌ها كه بر اثر بدبینی از هم متلاشی شده، چه بسیار اشخاص لایق و باشخصیت كه با یک گمان بد در حق آنها، تسلیم مرگ گردیده‌اند، و گاهی گمان بد آتش جنگ‌های بزرگی را روشن ساخته است.

همچنین سوءظن، محبت و دوستی را از بین می‌برد و نفاق و دورویی را در میان دوستان پرورش می‌دهد، زیرا چنین كسی در ظاهر ناچار است تظاهر به دوستی با رفقای خود كند در حالی كه در باطن چنین نیست و نسبت به آنها بدبین می‌باشد و همین رفتار موجب پرورش روح نفاق و دورویی در او خواهد گردید و به همین سبب رسول گرامی اسلام ص آنرا «اکذب الحدیث» ـ بزرگ‌ترین دروغ ـ نامیده است.

بدبینی سرچشمه ناراحتی روح و عذاب جسم و اضطراب و نگرانی خاطر است. افراد بدبین غالباً ناراحتند، و بر اساس توهماتی كه درباره اشخاص و حوادث دارند فوق العاده رنج می‌برند. آنها از معاشرت با افراد كه یكی از وسایل عادی و مؤثر نشاط روحی است گریزانند زیرا كلمات یا كارهای مردم را کنایه و نیشهایی برای خود فرض می‌كنند. از درد دل با دوستان كه وسیله مفیدی برای تخفیف آلام و ناراحتی‌ها است می‌ترسند، زیرا ممكن است موجب افشای اسرار آنها و یا مشكلات دیگری گردد! و به همین دلیل غالباً افسرده، بی‌نشاط و غمگین هستند، و تدریجاً به صورت یک موجود معطل و بی‌فایده در می‌آیند.

افراد بدبین از صفای روح غالباً بی‌بهره‌اند زیرا همیشه در دل خود مشغول به غیبت افراد دیگرند و به همین ملاحظه بعضی از علمای اخلاق، سوءظن را به عنوان «غیبت با قلب»‌ عنوان نموده‌اند و همانگونه که قبلا اشاره کردیم چه بسا این آفت خود منشاء بسیاری از بیماریهای قلبی دیگر همانند غیبت و حسد می‌گردد.

شایان‌ ذكر است‌ كه‌ گمان‌ بر چند نوع‌ است:

1. گمان‌ واجب‌ یا آنچه‌ بدان‌ امر شده‌ : مانند داشتن گمان‌ نیک به ‌الله متعال‌ و به‌ مؤمنان‌. در حدیث‌ شریف‌ قدسی‌ آمده‌ است: «أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي بِي» (صحيح البخاری) «من‌ نزد گمان‌ بنده‌ خود، در حق‌ خود، هستم‌».

همچنین‌ در حدیث‌ شریف‌ آمده‌است: «لَا يَمُوتَنَّ أَحَدُكُمْ إِلَّا وَهُوَ يُحْسِنُ بِاللهِ الظَّنَّ» (صحيح مسلم) «هرگز یكی‌ از شما نمیرد، مگر این‌كه‌ به‌ الله أ گمان‌ نیک داشته‌ باشد».

1. گمانی‌ كه‌ ممنوع‌ یا حرام‌ است: چون‌ سوءظن‌ نسبت‌ به‌ الله متعال، نسبت ‌به‌ اهل‌ صلاح‌ و نسبت‌ به‌ مسلمین‌ پوشیده‌ حالی‌ كه‌ ظاهر حال‌ آنها بازتاب‌گر نیكی‌ و عدالتشان‌ است‌. اما چنان‌كه‌ گفتیم‌؛ سوءظن‌ نسبت‌ به‌ كسی‌ كه‌ آشكارا مرتكب‌ اعمال‌ بد می‌شود، یا خود را در موضع‌ شک و تهمت‌ قرار می‌دهد، حرام‌ نیست‌.
2. گمانی‌ كه‌ مستحب‌ است: مانند گمان‌ نیک داشتن‌ به برادر مسلمان‌ و گمان‌ بد داشتن‌ به كسی‌ كه‌ ظاهر حالش‌ نشان‌دهنده‌ فسق و فجور و شرارت‌ است‌.
3. گمان‌ مباح: همچون‌ گمانه‌ زدن‌ در استنباط احكام‌ شرعی یا استنتاج احکام‌ فرعی‌ عملی‌ از راه‌ اجتهاد، و عمل‌ نمودن‌ به‌ گمان‌ غالب‌ در شكلیات و ظاهر‌ نماز ـ كه‌ مثلا سه‌ ركعت‌ خوانده‌ است‌ یا چهار ركعت‌.

جاسوسي

در ادامه آیه 10 سورۀ «حجرات» اللهِ دانا و مهربان مسلمانان را از تجسس و خبر چینی منع فرموده است، ﴿وَ لَا تَجَسَّسُواْ﴾ «به کنجکاوی و تجسس (در کارهای دیگران) نپردازید». یعنی در امور پنهانی مردم جستجو نكنید و در پی دانستن عیب و ایرادهای دیگران نباشید و در اوضاع و احوال دیگران تجسس نكنید، این كار چه بر اساس بد بینی باشد یا به قصد ضرر رساندن به دیگری و یا برای دور كردن شک و شبهه ای، به هر صورت گناه است، این كار شایسته یک مؤمن و مسلمان نیست كه در احوال پنهانی مردم جستجو كند و برای دانستن این كه چه كسی چه عیبی دارد كنجكاوی نماید.

خواندن نامه‌های شخصی مردم گوش دادن به گفتگوهای محرمانه بین دو نفر، چشم‌اندازی (سرک کشیدن) به خانه همسایه‌ها و فضولی و كنجكاوی در باره امور پنهانی دیگران به راه‌های مختلف از نظر اخلاقی بسیار زشت است و فساد‌های گوناگون در پی دارد و چون الله أ از این عمل منع فرموده پس گناهی است بسیار بزرگ!

پیامبر بزرگوار اسلام ص در خطبه ای كه ابوداؤد روایت نموده فرمودند:

«يَا مَعْشَرَ مَنْ آمَنَ بِلِسَانِهِ، وَلَمْ يَدْخُلِ الْإِيمَانُ قَلْبَهُ، لَا تَغْتَابُوا الْمُسْلِمِينَ، وَلَا تَتَّبِعُوا عَوْرَاتِهِمْ، فَإِنَّهُ مَنِ اتَّبَعَ عَوْرَاتِهِمْ يَتَّبِعُ اللَّهُ عَوْرَتَهُ، وَمَنْ يَتَّبِعِ اللَّهُ عَوْرَتَهُ يَفْضَحْهُ فِي بَيْتِهِ» (سنن أبی داود) «ای كسانیكه با زبان ایمان آورده اید و هنوز ایمان در دل‌هایتان نفوذ نكرده است، در باره امور پنهانی مردم كنجكاوی نكنید، زیرا كسیكه به دنبال به دست آوردن عیوب مسلمانان باشد، الله متعال عیوب او را دنبال خواهد كرد، و كسیكه الله أ عیوب او را دنبال نماید او را در خانه‌اش رسوا می‌كند».

غـيـبت

و در آخر این آیه الله متعال مؤمنان را از گناهی بس بزرگ و عمل زشت و ناپسند منع فرموده است كه امروزه سرگرمی و نقل بسیاری از مجالس می‌باشد، این عمل زشت غیبت و بدگویی مسلمانان و آبروریزی و بی‌حرمتی آنان است، در صورتی که الله متعال از این امر نهی فرموده و آن را به صورتی کریه و زشت تمثیل نموده که نفس انسان از آن نفرت پیدا می‌کند.

﴿وَلَا يَغۡتَب بَّعۡضُكُم بَعۡضًاۚ أَيُحِبُّ أَحَدُكُمۡ أَن يَأۡكُلَ لَحۡمَ أَخِيهِ مَيۡتٗا فَكَرِهۡتُمُوهُۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ تَوَّابٞ رَّحِيمٞ﴾ [الحجرات: 12].

«و از یکدیگر غیبت نکنید. آیا هیچ‌یک از شما دوست دارد گوشت برادر مرده‌اش را بخورد؟ بی‌گمان از این کار نفرت دارید. و تقوای الله پیشه کنید. به یقین الله، توبه‌پذیر مهربان است».

غیبت این است كه انسان در غیاب كسی در باره او حرفی بزند كه اگر او مطلع شود ناراحت گردد این تعریف غیبت از پیامبر ص نقل گردیده است.

در روایتی مسلم، ابوداؤد، ترمذی، نسائی و دیگر امامان حدیث از حضرت ابوهریره نقل نموده‌اند كه آن حضرت ص تعریف غیبت را اینطور بیان نموده‌اند:

«ذِكْرُكَ أَخَاكَ بِمَا يَكْرَهُ، قِيلَ أَفَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ فِي أَخِي مَا أَقُولُ؟ قَالَ: إِنْ كَانَ فِيهِ مَا تَقُولُ، فَقَدِ اغْتَبْتَهُ، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ فَقَدْ بَهَتَّهُ» (صحيح مسلم) «غیبت این است كه از برادرت به گونه ای یاد كنی كه او آنرا دوست نداشته باشد. كسی گفت اگر آن چیزیكه من می‌گویم در برادرم موجود باشد چه؟ حضرت فرمودند: اگر آن مورد در او باشد او را غیبت نموده ای، و اگر در او نباشد بر او بهتان بسته‌ای».

و در روایتی كه امام مالک / آنرا در «موطا» نقل كرده آمده است، كسی از پیامبر ص پرسید: غیبت چیست؟ آنحضرت ص فرمودند: «اینكه از كسی به گونه ای یاد كنی كه اگر بشنود ناراحت شود. گفت: اگر حرف من راست باشد؟ فرمودند: اگر حرف تو باطل باشد همان چیز بهتان است».

از این روایت آشكار شد كه وارد كردن اتهام دروغین بر كسی در غیاب او بهتان است. و بیان عیبی كه واقعاً در او وجود دارد غیبت می‌باشد. این فعل چه با كلمات صریح باشد یا به اشاره و كنایه، به هر حال حرام است همچنان اینكار چه در زندگی كسی باشد یا پس از مرگ او، در هر دو صورت حرمت آن یكسان است.

شیخ الاسلام ابن تیمیه / درباره غیبت میفرماید: «غیبت آنست كه برادر خود را با صفتی ذكر نمائی كه اگر اطلاع پیدا کند آنرا نپسندد، خواه نقص در بدنش باشد و یا در لباسش یا در اخلاقش یا در كردار و گفتارش یا در دینش یا در امور دنیوی‌اش یا در باره خانواده‌اش».

این را هم باید دانست كه غیبت تنها زبانی نیست! بلكه غیبت به اشاره و كنایه نیز واقع می‌گردد، و همچنان تصدیق سخنان غیبت كننده نیز غیبت به شمار می‌رود، و كسی كه در مجالسی كه در آن غیبت صورت می‌گیرد شركت می‌كند نیز در گناه آن شریک می‌باشد.

غیبت کردن در حقیقت یک نوع بیماری است! سلمان فارسی برای ابی دردا ب نوشته بود، «شما را به ذكر الله وصیت می‌كنم زیرا ذكر الله دواست. و شما را از ذكر مردم منع میكنم زیرا ذكر مردم بیماری کشنده‌ای است». به همین دلیل علمای بزرگوار اسلام غیبت را از جمله گناهان كبیره شمرده‌اند.

قتاده / فرموده است: «عذاب قبر در سه چیز است یک سوم آن به سبب غیبت،و یک سوم آن به سبب عدم توجه به ستر و نظافت در وقت قضای حاجت، و یک سوم دیگر آن به سبب سخن چینی».

غیبت سبب عذاب در روز قیامت است، پیامبر ص می‌فرمایند:

«لَمَّا عُرِجَ بِي مَرَرْتُ بِقَوْمٍ لَهُمْ أَظْفَارٌ مِنْ نُحَاسٍ يَخْمُشُونَ وُجُوهَهُمْ وَصُدُورَهُمْ، فَقُلْتُ: مَنْ هَؤُلَاءِ يَا جِبْرِيلُ؟ قَالَ: هَؤُلَاءِ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ لُحُومَ النَّاسِ، وَيَقَعُونَ فِي أَعْرَاضِهِمْ» (سنن أبی داود) «وقتی به معراج برده شدم بر قومی گذر كردم كه ناخن‌های آهنی داشتند و صورت و سینه‌های خود را می‌خراشیدند، از جبرئیل پرسیدم: اینها كیستند؟ گفت: اینها كسانی‌اند كه گوشت مردم را می‌خوردند (یعنی غیبت وسخن چینی كرده‌اند) و در پی بی‌آبرو کردن مردم هستند».

علاوه بر اینها غیبت حسنات را در روز قیامت محو می‌گرداند و هر كه را غیبت نموده باشی در آن روز از حسنات شما می‌گیرد، روزیكه خودمان احتیاج به یک حسنه داریم.

پس ای خواهر و برادر مسلمان! به نصیحت حضرت یحى ابن معاذ/ عمل نمایید آنجا كه فرمود: «مؤمن باید در پی سه خصلت پسندیده و نیک باشد تا از جمله رستگاران به شمار آید. اول اینكه، اگر نمی‌توانید به کسی نفعی برسانید نباید ضرر برسانید. دوم اینكه؛ اگر نمی‌توانید دیگران را خوشحال گردانید ناراحت هم نسازید. سوم اینكه؛ اگر نمی‌توانید كسی را به نیكی یاد كنید به بدی هم یاد نكنید».

بخاری و مسلم از انس ابن مالكا آورده‌اند كه پیامبرص فرموده‌اند:

«لاَ يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ، حَتَّى يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ» [متفق علیه] «کسی از شما ایمان نمی‌آورد تا آنکه آنچه را برای خود دوست می‌دارد برای برادر خود نیز دوست بدارد».

مثلاً اگر دوست داریم كسی غیبت ما را ننماید پس ما هم غیبت كسی را نكنیم، اگر دوست داریم كسی به ما تهمتی نزند پس ما هم به كسی تهمتی نزنیم، اگر دوست داریم كسی سخن چینی ما را نكند پس ما هم سخن چینی كسی را نكنیم. خلاصه اینکه:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| انگشت مکن رنجه بدر کوفتن کس |  | تا کس نکند رنجه به در کوفتنت مشت! |

در حدیثی كه حذیفه روایت كرده آمده پیامبر ص فرموده‌اند:

«لَا يَدْخُلُ الجَنَّةَ قَتَّاتٌ» (صحيح البخارى) «سخن‌چین به بهشت داخل نمی‌گردد».

و در حدیث دیگر از ابو هریره ، پیامبرص فرمودند:

«وَلَا تَحَسَّسُوا، وَلَا تَجَسَّسُوا». (بخاری و مسلم) «هرگز در پی یافتن عیوب دیگران نباشید و جاسوسی نکنید».

و در حدیث دیگری پیامبر بزرگ اسلام ص از اصحاب و شاگردان و یاران بزرگوارشان پرسیدند:

«أَتَدْرُونَ مَنِ الْمُفْلِسُ»؟ قَالُوا: المُفْلِسُ فِينَا يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ لَا دِرْهَمَ لَهُ وَلَا مَتَاعَ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ : «المُفْلِسُ مِنْ أُمَّتِي مَنْ يَأْتِي يَوْمَ القِيَامَةِ بِصَلَاتِهِ وَصِيَامِهِ وَزَكَاتِهِ، وَيَأْتِي قَدْ شَتَمَ هَذَا وَقَذَفَ هَذَا، وَأَكَلَ مَالَ هَذَا، وَسَفَكَ دَمَ هَذَا، وَضَرَبَ هَذَا فَيَقْعُدُ فَيَقْتَصُّ هَذَا مِنْ حَسَنَاتِهِ، وَهَذَا مِنْ حَسَنَاتِهِ، فَإِنْ فَنِيَتْ حَسَنَاتُهُ قَبْلَ أَنْ يُقْتَصّ مَا عَلَيْهِ مِنَ الخَطَايَا أُخِذَ مِنْ خَطَايَاهُمْ فَطُرِحَ عَلَيْهِ ثُمَّ طُرِحَ فِي النَّارِ» (سنن الترمذي) «می‌دانید مفلس كیست؟ گفتند: در نزد ما مفلس كسی است كه هیچ پول و مالی نداشته باشد. فرمودند: بلكه مفلس در امت من كسی است كه روز قیامت او را بیاورند در حالیكه نماز خوانده و روزه گرفته و زكات داده، لیكن یكی را دشنام داده و بر دیگری تهمت بسته و مال كسی را خورده و خون كسی را ریخته و دیگری را به ناحق زده، پس از حسنات او گرفته و بین آنها تقسیم می‌شود و اگر حسناتش تمام شد از گناهان آنها گرفته بر گناهان او افزوده می‌شود آن وقت او را در آتش می‌اندازند».

برادر و خواهر عزیز! سبب بسیاری از گناهان مانند غیبت و سخن چینی و دروغگویی زبان است. به فرمودۀ رسول محبوبمان ص این زبان است که انسان را یا به بهشت می‌برد و یا به دوزخ. چه بسا که زبان سرخ سر سبز را می‌دهد بر باد! به این حدیث شریف توجه فرمایید که در آن پس از اینکه رسول الله ص معاذ بن جبل را به ارکان اسلام و قله‌های بلند آن همچون نماز، روزه، زکات و جهاد فراخواند خطاب به او می‌فرمایند:

«أَلَا أُخْبِرُكَ بِمَلَاكِ ذَلِكَ كُلِّهِ؟ قُلْتُ: بَلَى يَا نَبِيَّ اللَّهِ، فَأَخَذَ بِلِسَانِهِ قَالَ: «كُفَّ عَلَيْكَ هَذَا» ، فَقُلْتُ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ، وَإِنَّا لَمُؤَاخَذُونَ بِمَا نَتَكَلَّمُ بِهِ؟ فَقَالَ: «ثَكِلَتْكَ أُمُّكَ يَا مُعَاذُ، وَهَلْ يَكُبُّ النَّاسَ فِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِهِمْ أَوْ عَلَى مَنَاخِرِهِمْ إِلَّا حَصَائِدُ أَلْسِنَتِهِمْ» (سنن الترمذي) «آیا تو را به قوام و پایه تمامی این کارها آگاه نسازم؟ (معاذ می‌فرماید:) گفتم: آری ای رسول الله. پس ایشان به زبان خود اشاره نموده و فرمودند: این را حفظ کن. (معاذ می‌فرماید:) گفتم: یا رسول الله، آیا ما به سبب سخنان خود مؤاخذه و بازخواست می‌شویم؟ (رسول الله) فرمودند: مادرت به عزایت بنشیند ای معاذ! آیا چیزی جز نتایج و کاشته‌های زبان‌های مردم آنان را با صورت‌هایشان در آتش می‌افکند»؟!.

پس برادر و خواهر گرامی از غیبت کردن، بهتان زدن، دروغگویی، استهزا و مسخره کردن، عیب جویی کردن، طعنه زدن، زخم زبان زدن به دیگران، فحش و ناسزا گویی و بسیاری از اخلاق ناپسند و نکوهیده دیگر بر حذر باشید که همگی آنها از آفتهای زبان به شمار می‌آیند.

خودخواهی و نژادپرستی

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنَّا خَلَقۡنَٰكُم مِّن ذَكَرٖ وَأُنثَىٰ وَجَعَلۡنَٰكُمۡ شُعُوبٗا وَقَبَآئِلَ لِتَعَارَفُوٓاْۚ إِنَّ أَكۡرَمَكُمۡ عِندَ ٱللَّهِ أَتۡقَىٰكُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٞ ١٣﴾ [الحجرات: 13].

«ای مردم! ما، شما را از مرد و زنی آفریده‌ایم و شما را تیره‌ها و قبیله‌هایی قرار داده‌ایم تا یکدیگر را بشناسید. بی‌گمان گرامی‌ترین شما نزد الله باتقواترین شماست. همانا الله، دانا و آگاه است».

درین آیه كریمه الله قادر و توانا میفرمایند؛ ای انسانها بدانید نژاد و قوم و زبان مدار اعتبار و مایه افتخار نیست. بلكه برای آن است كه هر انسانی با تفاوت و ویژیگی‌های خاص درونی و بیرونی از دیگری مشخص شود و در پیكره جامعه انسانی نقش جداگانه داشته باشد همه انسانها اولاد یک مرد و زن یعنی آدم و حوا (عليها السلام) می‌باشند و تمام بشر چه عرب یا عجم، تاجیک یا پشتون، ازبک یا ترک، هزاره، بلوچ یا اروپایی و آمریکایی و یا از هر كشورو قومی كه باشند نسب همه آنها به آدم و حوا إ بر می‌گردد پس برتری به قوم نژاد و زبان و قبیله نیست.

در دین مقدس اسلام اینگونه مسائل اهمیتی ندارد بلكه آنچه در نزد الله متعال دارای اهمیت می‌باشد تقوی و پرهیزگاری است و رنگ و زبان و قوم فقط برای شناخت و تعارف بین انسانها است و بس.

در این آیه الله متعال برای همه انسانها سه اصل بسیار مهم را بیان فرموده است.

اول اینكه؛ اصل همه شما یكی و از یک پدر و مادر است.

دوم اینكه؛ با وجودیكه اصل شما یكی است حكمت الله این بوده كه شما را به نژاد‌ها و قبیله‌های مختلف تقسیم نماید. چون همه انسان‌های روی زمین نمی‌توانستند یک خانواده و قبیله تشكیل بدهند. استمرار نسل بشر و به وجود آمدن خانواده‌های فراوان تقاضا می‌نمود كه از آن قبیله‌ها و اقوام به وجود آید وتفاوت رنگ و قیافه و فرهنگ‌های مختلف را نیز الله أ از نشانه‌های قدرت خودش قرار داده‌است.

﴿وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦ خَلۡقُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَٱخۡتِلَٰفُ أَلۡسِنَتِكُمۡ وَأَلۡوَٰنِكُمۡۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّلۡعَٰلِمِينَ ٢٢﴾ [الروم: 22].

«و از نشانه‌های او، آفرینش آسمان‌ها و زمین و تفاوت زبان‌ها و رنگ‌ها (و نژادهای) شماست. همانا در این امر نشانه‌هایی برای افراد آگاه و دانا وجود دارد».

سوم اینكه؛ اگر اساسی برای برتری انسانی بر انسان دیگر وجود داشته باشد، و آنچه واقعاً كسی را بر دیگران فضیلت میدهد، این است كه آن انسان بیش از دیگران به اللهأ نزدیک باشد؛ از بدی‌ها اجتناب نماید و راه پاكی و نیكی را در پیش گیرد، اینچنین انسانی اگر از هر نژاد و قوم و كشوری باشد به خاطر این فضائل در نزد الله متعال ارجمند و گرامی است.

پیامبر ص در وقت فتح مكه پس از طواف كعبه فرمودند:

«يَاأَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَذْهَبَ عَنْكُمْ عُبِّيَّةَ الجَاهِلِيَّةِ وَتَعَاظُمَهَا بِآبَائِهَا، فَالنَّاسُ رَجُلَانِ: بَرٌّ تَقِيٌّ كَرِيمٌ عَلَى اللَّهِ، وَفَاجِرٌ شَقِيٌّ هَيِّنٌ عَلَى اللَّهِ، وَالنَّاسُ بَنُو آدَمَ، وَخَلَقَ اللَّهُ آدَمَ مِنْ تُرَابٍ» (ترمذی) «ای انسانها الله متعال عیب تكبر و جاهلیت و نازیدن به پدرانتان را از شما دور كرد. آگاه باشید! همه انسانها دو دسته‌اند؛ دسته صالح و پرهیزگار كه در پیش الله آبرومند است، و دیگری فاجر و شقی كه در نظر نزد الله خوار و ذلیل و پست است، همه انسانها فرزند آدم‌اند و الله آدم را از خاک آفریده است».

و پیامبر ص در حجة الوداع در ایام تشریق در خطبه خود فرمودند:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ، وَإِنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ، أَلَا لَا فَضْلَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى عَجَمِيٍّ، وَلَا لِعَجَمِيٍّ عَلَى عَرَبِيٍّ، وَلَا لِأَحْمَرَ عَلَى أَسْوَدَ، وَلَا أَسْوَدَ عَلَى أَحْمَرَ، إِلَّا بِالتَّقْوَى، إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللهِ أَتْقَاكُمْ» (مسند امام أحمد و شعب الايمان) «ای مردم آگاه باشید كه؛ پروردگار شما یكی است، هیچ عربی بر عجمی، و هیچ عجمی بر عربی، و هیچ سفیدی بر سیاهی، و هیچ سیاهی بر سفیدی، برتری ندارد مگر با تقوی، گرامی‌ترین شما نزد الله پرهیزگارترین شماست».

و درجای دیگری فرموده‌اند: الله متعال در روز قیامت درباره حسب و نسب شما نخواهد پرسید گرامی‌ترین شما نزد الله كسی است كه پرهیزگارترین شما باشد.

و در حدیث دیگر رسول اللهص فرموده‌اند:

«إِنَّ اللهَ لَا يَنْظُرُ إِلَى أَجْسَادِكُمْ، وَلَا إِلَى صُوَرِكُمْ، وَلَكِنْ يَنْظُرُ إِلَى قُلُوبِكُمْ» (صحيح مسلم) «الله به شکل و قیافه شما نمی‌نگرد بلكه به دل‌ها و اعمالتان می‌نگرد».

اسلام تنها دینی است كه اینچنین قانون برادری و مساوات را در بین انسانها وضع نموده و عملاً تطبیق كرده است. در جامعه اسلامی جایی برای تبعیض بر اساس رنگ و نژاد و زبان و وطن و قومیت وجود ندارد، جامعه ای كه در آن هیچ بالا و پائین و تفرقه و تعصبی قابل تصور نیست، جامعه ای كه در آن همه حقوق مساوی دارند و صرف نظر از اختلافات در نژاد و قوم و رنگ، همه میتوانند به عضویت آن درآیند. حتی دشمنان اسلام اعتراف كرده‌اند كه اصل وحدت و برادری و مساواتی كه در جامعه اسلامی وجود دارد در هیچ دین و نظامی در جهان یافت نمی‌شود، اسلام امتی از نژادهای مختلف تشكیل داد كه در آن ملاک برتری و فضیلت فقط در ایمان به الله و تقوی و پرهیز گاری است.

باید بدانیم كه سرچشمه تعصب بیجا و اعمال ناشایسته دیگر كه ذكر گردید و الله تبارک و تعالی در این آیات مباركه آنرا منع فرمود تكبر و خود خواهی می‌باشد و همین تكبر و خود خواهی است كه سبب می‌شود انسان دیگران را پست و حقیر بشمارد. تكبر در مقابل الله و پیامبرش كفر است و انسان را از رحمت باری تعالی و نعمت‌های آخرت محروم می‌نماید. الله متعال می‌فرمایند:

﴿تِلۡكَ ٱلدَّارُ ٱلۡأٓخِرَةُ نَجۡعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوّٗا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَا فَسَادٗاۚ وَٱلۡعَٰقِبَةُ لِلۡمُتَّقِينَ ٨٣﴾ [القصص: 83].

«این، سرای آخرت است که آن را برای کسانی قرار می‌دهیم که خواهان فساد و برتری در زمین نیستند. و فرجام نیک از آنِ پرهیزکاران است».

آری! عاقبت از آن پرهیزگارانی است كه دلهایشان از آلودگی‌های مقام طلبی و شهرت طلبی و بزرگ بینی و تبهكاری پاک است.

از حضرت عبدالله بن مسعود روایت شده، رسول اكرم ص فرموده‌اند:

«لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنْ كِبْرٍ» (صحيح مسلم) «آنكه در دلش ذره ای از كبر باشد به بهشت داخل نمی‌شود».

همچنین یک مسلمان حق ندارد فردی غیر مسلمان را به خاطر شخصیت یا جنس و قومیتش تحقیر و توهین نماید، بلکه او اعتقاد باطل و باورهای پست او (کفر و شرک و قبر و بت‌پرستی) را می‌تواند تحقیر ‌کند، و همین فرد کافر یا مشرک چنانچه مشرف به دین اسلام گردید بلا فاصله برادر مسلمان محسوب می‌گردد.

مسلمانان ملزم هستند تا با مردمان جنایت کار، گنهگار، منحرف، ظالم، وخاین قطع رابطه نمایند هرچند برادر یا از قوم و خویش یا از فرزندان شان هم باشند، و هرگاه از چنین اعمالی دست کشیده توبه نمودند از محبوب‌ترین مردمان در نزد شان می‌گردند.

برادران و خواهران مسلمان!

اسلام به مساوات و برابری تاکید می‌نماید و در جامعه مسلمانان چیزی به نام نظام طبقاتی وجود ندارد. در حقوق و واجبات همه با هم برابرند، و هیچ کسی بر دیگری برتری و فضیلتی ندارد. تنها مدار فضل و پیشیگری نزد خداوند است و آن هم با تقوی و پرهیزگاری! هر شخصی که الله متعال را بیشتر از دیگران عبادت نمود و با جهاد در راه او از جان و مال خویش گذشت، همان شخص در نزد الله متعال گرامی و بزرگوار می‌باشد، و اگر کسی به این اعمال خوب و شایسته عمل نماید در جامعه بشری هیچ برتری بر دیگران ندارد، و نباید انتظار داشته باشد مردم برای او احترام و تقدس و جایگاه خاصی در نظر بگیرند، و یا با چشمی دیگر به او بنگرند، زیرا وی این اعمال را به خاطر کسب رضامندی الله متعال انجام داده است نه اینکه خود را بالاتر از دیگران بشمارد.

اگر به تاریخ درخشان اسلام نظری اندازیم می‌بینیم که اسلام عزیز در اولین روزگارش؛ صهیب رومی، بلال حبشی، سلمان فارسی وابوبکر عربی قریشی (رضی الله عنهم اجمعین) را زیر یک پرچم (لا اله الا الله محمد رسول الله) در آغوش کشید، تبعیض و تعصب قوم، نژاد، رنگ، وطن، قبیله و ..... را پایان بخشید، و آفتاب اسلام در هر روستا، شهر، قبیله و خانه درخشید، پیامبر بزرگ اسلام فرمودند:

«مَنْ قَاتَلَ تَحْتَ رَايَةٍ عِمِّيَّةٍ، يَدْعُو إِلَى عَصَبِيَّةٍ، أَوْ يَغْضَبُ لِعَصَبِيَّةٍ، فَقِتْلَتُهُ جَاهِلِيَّةٌ» (سنن ابن ماجه) «هر کسی زیر پرچمی با هویتی خاکستری و غیر روشن؛ که به تعصب و قومگرائی دعوت می‌کند، یا برای قوم و قبیله‌ای خشم می‌گیرد، بجنگد، جنگش بر پایه مفاهیمی جاهلانه است» و هیچ ارزشی ندارد، و اگر در این راه جانش را از دست دهد، در پیشگاه الله فاقد هرگونه ارزشی است!

به عبارت دیگر؛ هر کس برای تعصبات قومی و زبانی بجنگد و یا بسوی این تبعیض نژادیها دعوت نماید و در آن حالت بمیرد از امت محمد ص نیست.

اینگونه بود که تصور نژاد پرستی و قومگرائی و زبان پرستی با تمام اقسام و انواعش سرنگون شده برای همیشه در جامعه اسلامی فرو ریخته، از هم پاشید، و از همان زمان وطن مسلمان تنها سرزمینی که او در آن زندگی می‌کند نبوده بلکه در هر سر زمینی که می‌تواند احکام دین خود را عملی نماید و در هر جایی که باشد خواه در شرق یا در غرب جهان همانجا وطن و سرزمین اوست. هر ملک ملک ماست که ملک خدای ماست!.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| اسلام به ذات خود ندارد عیبی |  | هر عیب که هست از مسلمانی ماست |
| آبادی بتخانه ز ویرانی ماسـت |  | جمعیـت کفر از پریشــانی مـــاست |

صـفات مــؤمنـان

﴿قَالَتِ ٱلۡأَعۡرَابُ ءَامَنَّاۖ قُل لَّمۡ تُؤۡمِنُواْ وَلَٰكِن قُولُوٓاْ أَسۡلَمۡنَا وَلَمَّا يَدۡخُلِ ٱلۡإِيمَٰنُ فِي قُلُوبِكُمۡۖ وَإِن تُطِيعُواْ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ لَا يَلِتۡكُم مِّنۡ أَعۡمَٰلِكُمۡ شَيۡ‍ًٔاۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٌ ١٤﴾ [الحجرات: 14].

«بادیه‌نشینان گفتند: «ایمان آوردیم». بگو: ایمان نیاورده‌اید؛ بلکه بگویید اسلام آورده‌ایم. و هنوز ایمان، وارد دل‌هایتان نشده است. و اگر از الله و پیامبرش اطاعت کنید، چیزی از پاداش اعمالتان نمی‌کاهد. به‌یقین الله، آمرزنده‌ی مهربان است».

منظور این آیه كریمه همه عربها نیست، بلكه افراد مخصوصی بودند كه با توجه به قدرت فزاینده اسلام فقط برای این مسلمان شده بودند كه در سایه قدرت مسلمانان در امان باشند و از دستاوردها و منافع پیروزی‌های مسلمانان بهره‌مند شوند در واقع آنها به ایمان آوردن خود صادق نبودند بلكه با اقرار اسلام به زبان مصلحتا مسلمان شده بودند و اقوال و افعال آنها با هم فرق داشت البته از اعراب بادیه نشین كسانی بودند كه واقعاً مؤمن به الله و صادق بودند چنانكه در جای دیگری الله تبارک و تعالی در باره آنها می‌فرماید:

﴿وَمِنَ ٱلۡأَعۡرَابِ مَن يُؤۡمِنُ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَيَتَّخِذُ مَا يُنفِقُ قُرُبَٰتٍ عِندَ ٱللَّهِ وَصَلَوَٰتِ ٱلرَّسُولِۚ أَلَآ إِنَّهَا قُرۡبَةٞ لَّهُمۡۚ سَيُدۡخِلُهُمُ ٱللَّهُ فِي رَحۡمَتِهِۦٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٩٩﴾ [التوبة: 99].

«برخی از بادیه‌نشینان به الله و روز قیامت ایمان می‌آورند، و آنچه را انفاق می‌کنند، سبب نزدیکی به الله و دعای پیامبر می‌دانند. هان! این برایشان مایه‌ی تقرب و نزدیکی است. الله، آنان را در رحمتش ـ یعنی بهشت ـ وارد می‌گرداند. همانا الله آمرزنده‌ی مهربان است».

﴿إِنَّمَا ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ ثُمَّ لَمۡ يَرۡتَابُواْ وَجَٰهَدُواْ بِأَمۡوَٰلِهِمۡ وَأَنفُسِهِمۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلصَّٰدِقُونَ ١٥﴾ [الحجرات: 15].

«مؤمنان تنها کسانی هستند که به الله و پیامبرش ایمان آوردند و آن‌گاه شک و تردیدی به خود راه ندادند و با مال‌ها و جان‌هایشان در راه الله جهاد کردند. همانا اینها، راستگویانند».

در این آیه مباركه صفات مؤمنان ذكر گردیده است، مؤمنان راستگوئی كه به الله متعال و رسول بر گزیده او و به آنچه از الله أ بر ایشان نازل گردیده ایمان و یقین كامل داشته باشند، و بدون شک و شبه‌ای در راه اسلام مال و جان خویش را قربانی مینمایند و از هیچ فداكاری دریغ نمی‌ورزند به درستی كه اعمال آنها نشان میدهد كه ایمان در اعماق قلبهای آنها جا گرفته است.

در حدیثی كه صحیح مسلم از حضرت عمر فاروق روایت مینماید آمده كه ایشان روایت فرمودند:

«بَيْنَمَا نَحْنُ عِنْدَ رَسُولِ اللهِ ذَاتَ يَوْمٍ، إِذْ طَلَعَ عَلَيْنَا رَجُلٌ شَدِيدُ بَيَاضِ الثِّيَابِ، شَدِيدُ سَوَادِ الشَّعَرِ، لَا يُرَى عَلَيْهِ أَثَرُ السَّفَرِ، وَلَا يَعْرِفُهُ مِنَّا أَحَدٌ، حَتَّى جَلَسَ إِلَى النَّبِيِّ ، فَأَسْنَدَ رُكْبَتَيْهِ إِلَى رُكْبَتَيْهِ، وَوَضَعَ كَفَّيْهِ عَلَى فَخِذَيْهِ، وَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ أَخْبِرْنِي عَنِ الْإِسْلَامِ، فَقَالَ رَسُولُ اللهِ : «الْإِسْلَامُ أَنْ تَشْهَدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللهِ ، وَتُقِيمَ الصَّلَاةَ، وَتُؤْتِيَ الزَّكَاةَ، وَتَصُومَ رَمَضَانَ، وَتَحُجَّ الْبَيْتَ إِنِ اسْتَطَعْتَ إِلَيْهِ سَبِيلًا» ، قَالَ: صَدَقْتَ، قَالَ: فَعَجِبْنَا لَهُ يَسْأَلُهُ، وَيُصَدِّقُهُ، قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنِ الْإِيمَانِ، قَالَ: «أَنْ تُؤْمِنَ بِاللهِ، وَمَلَائِكَتِهِ، وَكُتُبِهِ، وَرُسُلِهِ، وَالْيَوْمِ الْآخِرِ، وَتُؤْمِنَ بِالْقَدَرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ» ، قَالَ: صَدَقْتَ، قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنِ الْإِحْسَانِ، قَالَ: «أَنْ تَعْبُدَ اللهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ، فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ» ، قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنِ السَّاعَةِ، قَالَ: «مَا الْمَسْئُولُ عَنْهَا بِأَعْلَمَ مِنَ السَّائِلِ» قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنْ أَمَارَتِهَا، قَالَ: «أَنْ تَلِدَ الْأَمَةُ رَبَّتَهَا، وَأَنْ تَرَى الْحُفَاةَ الْعُرَاةَ الْعَالَةَ رِعَاءَ الشَّاءِ يَتَطَاوَلُونَ فِي الْبُنْيَانِ» ، قَالَ: ثُمَّ انْطَلَقَ فَلَبِثْتُ مَلِيًّا، ثُمَّ قَالَ لِي: «يَا عُمَرُ أَتَدْرِي مَنِ السَّائِلُ؟» قُلْتُ: اللهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ، قَالَ: «فَإِنَّهُ جِبْرِيلُ أَتَاكُمْ يُعَلِّمُكُمْ دِينَكُمْ» (صحيح مسلم) «در حالیكه ما خدمت پیامبر ص نشسته بودیم ناگهان مردی ظاهر شد كه لباس‌هایش به شدت سفید و موهایش شدیداً سیاه بود، هیچ نشانه‌ای از آثار سفر بر او دیده نمی‌شد، و نه هم كسی از ما او را می‌شناخت! جلو پیامبر ص، همچنانكه پیامبر نشسته بودند دو زانو نشست و زانوهایش را به زانوهای پیامبر ص چسپاند. و دستهایش را به بر روی رانهایش گذاشته گفت: ای محمد! مرا از اسلام آگاه ساز، آن حضرت فرمودند: اینكه گواهی دهی كه هیچ معبود بر حقی جز الله یگانه وجود ندارد و اینكه محمد فرستاده الله است، و نماز را برپا داری و زكات بپردازی و ماه رمضان را روزه بگیری و اگر توانایی داشتی حج بیت الله را ادا نمایی. گفت: راست گفتی. تعجب كردیم چگونه هم از ایشان می‌پرسد و هم تأیید میكند! گفت: مرا از ایمان آگاه ساز؟ فرمودند: اینكه به الله و فرشتگان و كتابها و رسولانش و به روز قیامت و به تقدیر اعم از خیر و شر آن ایمان و باور داشته باشی. گفت: مرا از احسان آگاه ساز. فرمودند: اینكه الله را طوری بپرستی كه گویا او را میبینی چون اگر تو او را نمی‌بینی او قطعاً ترا می‌بیند. گفت: از قیامت مرا خبر ده. فرمودند: در این باره سؤال شونده از سؤال كننده بیشتر نمی‌داند. گفت: از نشانی‌های آن مرا خبر ده، فرمودند: اینكه كنیز ارباب خودش را بزاید، و اینكه ببینی چوپانان تنگدست با پای لخت و عریان در ساختن ساختمان‌ها بر یكدیگر فخر می‌ورزند. راوی می‌فرماید: آنگاه آن غریبه راهش را گرفته رفت، ما اندكی درنگ كردیم آنگاه حضرت ص فرمودند: ای عمر، آیا می‌دانید سؤال كننده كی بود؟ گفتیم: الله و رسولش داناترند، فرمودند: جبرئیل! آمده بود تا به شما دینتان را بیاموزد».

برادر و خواهر گرامی! ایمان این است‌که دل‌، الله و پیغمبر ص را تصدیق کند و باور داشته باشد، تصدیق و باوری که در آن شک و تردیدی راه ندهد، تصدیق و باوری‌که ثابت و مطمئن باشد و لرزان و پریشان نگردد، و وسوسه‌ها بدان راه نیابد، و دل و خرد در باره آن متزلزل و نگران نشود. آن ایمانی‌که جهاد با مال و جان در راه الله از آن سرچشمه بگیرد.

قلب انسان وقتی‌ شیرینی این ایمان را بچشد و بدان اطمینان پیدا کند، و بر آن ثابت و ماندگارگردد، حتما برای پیاده کردن حقیقت ایمان در خارج از محوطه جان و دل خود برمی‌خیزد و به تلاش می‌ایستد، و در راه پیاده کردن آن در زندگی واقعی‌، لحظه‌ای از پای نمی‌نشیند. آری مؤمن واقعی آن جهان‌بینی زیبائی را که از ایمان در دل اوست را به جهان واقعیت و سایر بشریت عرضه می‌دارد.

﴿إِنَّمَا ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ٱلَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ ٱللَّهُ وَجِلَتۡ قُلُوبُهُمۡ وَإِذَا تُلِيَتۡ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتُهُۥ زَادَتۡهُمۡ إِيمَٰنٗا وَعَلَىٰ رَبِّهِمۡ يَتَوَكَّلُونَ ٢﴾ [الأنفال: 2].

«جز این‌ نیست‌ كه‌ مؤمنان كامل‌ «همان‌ كسانی‌ هستند كه‌ چون‌ یاد الله به‌ میان ‌آید، دل‌هایشان‌ بترسد» یعنی: پدید آمدن‌ ترس‌ و بیم‌ از الله در هنگام ‌یاد پروردگار یکتا، از نشانه‌های‌ مؤمنان‌ است‌. «و» مؤمنان‌ كامل‌ همان‌ كسانی‌ هستند كه‌ «چون‌ آیات‌ الله بر آنان ‌خوانده‌ شود، بر ایمانشان‌ بیفزاید و» مؤمنان‌ كامل‌ همان‌ كسانی‌ هستند كه‌ «بر پروردگار خود توكل‌ می‌كنند» نه‌ بر دیگری‌. توكل‌ بر الله سپردن‌ كار به ‌اوست‌، از همین‌ رو، سعیدبن‌جبیر فرموده‌ است: توكل‌ بر الله عزوجل‌، همهِ ‌ایمان‌ است».

﴿ٱلَّذِينَ يُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَمِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ يُنفِقُونَ ٣ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ حَقّٗاۚ لَّهُمۡ دَرَجَٰتٌ عِندَ رَبِّهِمۡ وَمَغۡفِرَةٞ وَرِزۡقٞ كَرِيمٞ ٤﴾ [الأنفال: 3-4].

«آنان که نماز بر پا می‌دارند و از آنچه به ایشان داده ایم، انفاق می‌کنند. چنین کسانی به راستی مؤمن هستند. آنها نزد پروردگارشان از درجاتی بالا و آمرزش و روزی نیک و فراوان برخوردارند».

یعنی: آنان‌ همان‌ مؤمنانی‌ هستند كه‌ میان‌ اعمال‌ قلب‌؛ چون‌ بیم‌ از الله ‌عزوجل‌، اخلاص‌ و توكل‌ و میان‌ اعمال‌ اعضا و اندامها؛ چون‌ نماز و زكات‌ جمع ‌می‌كنند. برای‌ این‌ گروه‌، منازل‌ و مقامات‌ خیر و كرامت‌ و شرفی‌ است‌ در بهشت‌، كه‌ بعضی‌ از این‌ منزل‌ها به‌ حسب ‌ایمان‌ و اعمال‌ صالح‌ صاحبان‌ خود از بعضی‌ دیگر برتر است‌.

خلاصه اینكه مؤمنان كسانی هستند كه:

1. چون نام الله متعال در میان آید از هیبت و خوف به لرزه افتند.
2. با شنیدن آیات و احکام الهی ایمان و یقین ایشان استوارتر شود.
3. اعتماد و توکل اصلی آنها جز به الله متعال بر احدی نیست.
4. در پیشگاه او سر بندگی فرود آورده با تمام وجود نماز را بر پا می‌دارند.
5. دارایی و هستی خود را در راه الله متعال صرف می‌کنند و اینانند مؤمنان کامل، صادق و راسخ و ایشانند که به مقامات و مراتب بزرگ قرب الهی فائز می‌گردند.

﴿قُلۡ أَتُعَلِّمُونَ ٱللَّهَ بِدِينِكُمۡ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۚ وَٱللَّهُ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٞ ١٦﴾ [الحجرات: 16].

«بگو: آیا می‌خواهید الله را از دین‌داری خویش آگاه سازید، حال آنکه الله آنچه را در آسمان‌ها و زمین است، می‌داند؟ و الله، به همه چیز داناست».

طوریكه قبلاً ذكر گردید عده ای از اعراب بادیه نشین مصلحتاً مسلمان شده بودند و این كیفیت باطنی آنها هنگامی فاش گردید كه نزد پیامبر ص آمده خواسته‌های گوناگون خود را مطرح میكردند و آنچنان حق خود را مطالبه می‌کردند، كه گویا با اسلام آوردن خود بر پیامبر ص منت گذاشتند!.

حضرت ابن عباس ب بیان كرده‌اند كه یكبار در زمان قحطی آنها به مدینه آمدند در حالیكه از پیامبر ص طلب كمک مالی می‌كردند، و چند بار به رسول الله ص گفتند: ما بدون جنگ و در‌گیری مسلمان شدیم و مثل فلان و فلان قبائل با شما نجنگیدیم، منظور آنها این بود كه نجنگیدن آنها با پیامبرص و اسلام آوردن آنها منتی است كه باید ارج نهاده شود، و مؤمنان باید عوض آنرا بدهند.

﴿يَمُنُّونَ عَلَيۡكَ أَنۡ أَسۡلَمُواْۖ قُل لَّا تَمُنُّواْ عَلَيَّ إِسۡلَٰمَكُمۖ بَلِ ٱللَّهُ يَمُنُّ عَلَيۡكُمۡ أَنۡ هَدَىٰكُمۡ لِلۡإِيمَٰنِ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ١٧﴾ [الحجرات: 17].

«بر تو منت می‌گذارند که اسلام آورده‌اند. بگو: منت اسلام آوردن خویش را بر من نگذارید. بلکه اگر (در ایمانتان) صادق باشید، الله بر شما منت می‌گذارد که شما را به ایمان هدایت نموده است، اگر واقعا راست می‌گویید!».

﴿إِنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ غَيۡبَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ وَٱللَّهُ بَصِيرُۢ بِمَا تَعۡمَلُونَ ١٨﴾ [الحجرات: 18]

«بی‌شک الله، غیب آسمان‌ها و زمین را می‌داند. و الله به آنچه انجام می‌دهید، بیناست».

هرگز نمی‌توان در مقابل الله متعال از خودنمائی و ریاء، دروغ و كتمان و فریب استفاده كرد زیرا او ذاتی است قادر و توانا و عالم به همه اسرار كائنات و با قدرت و عظمت خود اسرار و پوشیدگی‌های همه امور را ذره به ذره می‌داند.

سخن آخر

برادران و خواهران مسلمان!..

آنچه خدمت شما تقدیم شد آیاتی چند از قرآن حكیم این معجزه جاویدان اسلام و خورشید هدایت برای بشریت بود، قرآن كریمی كه باریتعالی از روی لطف و كرم خود بر پیامبر محبوبمان ص فرستاد تا به وسیله آن، گمراهان هدایت شوند و مؤمنان با پایبندی و عمل به آن به فلاح و رستگاری و سعادت و خوشبختی در دنیا و سر انجام جنت و بهشتها و نعمت‌های آن نائل گردند.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ قَدۡ جَآءَتۡكُم مَّوۡعِظَةٞ مِّن رَّبِّكُمۡ وَشِفَآءٞ لِّمَا فِي ٱلصُّدُورِ وَهُدٗى وَرَحۡمَةٞ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ ٥٧﴾ [يونس: 57].

«ای مردم! به‌راستی پندی از سوی پروردگارتان آمده که مایه‌ی بهبودی و درمان بیماری‌هایی است که در سینه‌هاست و هدایت و رحمتی برای مومنان است».

آری! آنانیكه به قرآن ایمان دارند و آنرا راهنمای زندگی خود قرار داده و به آن عمل می‌كنند الله أ در باره آنها می‌فرماید:

﴿ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَتَطۡمَئِنُّ قُلُوبُهُم بِذِكۡرِ ٱللَّهِۗ أَلَا بِذِكۡرِ ٱللَّهِ تَطۡمَئِنُّ ٱلۡقُلُوبُ ٢٨﴾ [الرعد: 28].

«آنان که ایمان آوردند و دل‌هایشان با یاد الله آرامش می‌یابد. بدانید که دل‌ها با یاد الله آرام می‌گیرد».

و در جای دیگر می‌فرماید:

﴿إِنَّ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانَ يَهۡدِي لِلَّتِي هِيَ أَقۡوَمُ وَيُبَشِّرُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٱلَّذِينَ يَعۡمَلُونَ ٱلصَّٰلِحَٰتِ أَنَّ لَهُمۡ أَجۡرٗا كَبِيرٗا ٩﴾ [الإسراء: 9].

«بی‌گمان این قرآن به استوارترین راه‌ها هدایت می‌کند و به مومنان نیکوکار نوید می‌دهد که پاداش بزرگی (در پیش) دارند».

﴿قُلۡ يَٰعِبَادِيَ ٱلَّذِينَ أَسۡرَفُواْ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمۡ لَا تَقۡنَطُواْ مِن رَّحۡمَةِ ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ يَغۡفِرُ ٱلذُّنُوبَ جَمِيعًاۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلۡغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ ٥٣ وَأَنِيبُوٓاْ إِلَىٰ رَبِّكُمۡ وَأَسۡلِمُواْ لَهُۥ مِن قَبۡلِ أَن يَأۡتِيَكُمُ ٱلۡعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ ٥٤﴾ [الزمر: 53-54].

«بگو: ای بندگان من که با زیاده‌روی در گناهان به خویشتن ستم کرده‌اید! از رحمت الله ناامید نباشید. بی‌گمان الله، همۀ گناهان را می‌آمرزد. به‌راستی که او، همان ذات آمرزنده و مهربان است و به‌سوی پروردگارتان روی بیاورید و فرمانبردارش شوید، پیش از آنکه عذاب الهی به سراغتان بیاید و آن‌گاه یاری نشوید».

﴿وَٱتَّبِعُوٓاْ أَحۡسَنَ مَآ أُنزِلَ إِلَيۡكُم مِّن رَّبِّكُم مِّن قَبۡلِ أَن يَأۡتِيَكُمُ ٱلۡعَذَابُ بَغۡتَةٗ وَأَنتُمۡ لَا تَشۡعُرُونَ ٥٥﴾ [الزمر: 55].

«و از بهترین دستورهایی که از سوی پروردگارتان به‌سوی شما نازل شده، پیروی کنید؛ پیش از آنکه عذاب الهی به صورت ناگهانی و در حالی که غافلید به شما برسد».

﴿أَن تَقُولَ نَفۡسٞ يَٰحَسۡرَتَىٰ عَلَىٰ مَا فَرَّطتُ فِي جَنۢبِ ٱللَّهِ وَإِن كُنتُ لَمِنَ ٱلسَّٰخِرِينَ ٥٦﴾ [الزمر: 56].

«تا مبادا کسی بگوید: ای وای و افسوس بر کوتاهی‌هایی که در حق الله کردم و بی‌گمان از مسخره‌کنندگان بودم».

﴿أَوۡ تَقُولَ لَوۡ أَنَّ ٱللَّهَ هَدَىٰنِي لَكُنتُ مِنَ ٱلۡمُتَّقِينَ ٥٧﴾ [الزمر: 57].

«یا بگوید: اگر الله هدایتم می‌کرد، به‌طور قطع از پرهیزکاران می‌‌شدم».

﴿أَوۡ تَقُولَ حِينَ تَرَى ٱلۡعَذَابَ لَوۡ أَنَّ لِي كَرَّةٗ فَأَكُونَ مِنَ ٱلۡمُحۡسِنِينَ٥٨﴾ [الزمر: 58].

«یا هنگامی که عذاب را مشاهده می‌کند، بگوید: ای کاش برایم بازگشتی (به دنیا) وجود ‌داشت تا از نیکوکاران می‌شدم».

﴿بَلَىٰ قَدۡ جَآءَتۡكَ ءَايَٰتِي فَكَذَّبۡتَ بِهَا وَٱسۡتَكۡبَرۡتَ وَكُنتَ مِنَ ٱلۡكَٰفِرِينَ٥٩﴾ [الزمر: 59].

«آری؛ آیاتم به تو رسید و تو تکذیبش کردی و سرکشی نمودی و از کافران گشتی».

بیائید قبل ازینكه آن روز سخت و هولناک بیاید به سوی قرآن برگردیم و مسائل زندگی و خانوادگی و اجتماعی خود را با قوانین قرآن تنظیم نموده و در پرتو قرآن حركت نمائیم.

در هر زمانیكه مسلمانان به قرآن عمل نموده‌اند و به سوی الله أ بر گشته‌اند عزت و اقتدار یافته‌اند، و هر چه از آن دور شده‌اند خوار و ذلیل گشته‌اند، امروز بجای اینكه قرآن را در دست گرفته و به آن عمل نمائیم آنرا در پارچه‌ها پیچیده و در طاقچه‌ها نهاده‌ایم، به جای اینكه قرآن را برنامۀ زندگی خود قرار دهیم آنرا به گورستان‌ها برده برای مردگان می‌خوانیم!.

از أم المؤمنین عایشه صدیقه ل در باره اخلاق رسول اللهص پرسیدند: ایشان جواب دادند: اخلاق رسول اكرم قرآن بود.

آری! در آغوش تعلیم وتربیت پیامبر بزرگ اسلام و در مكتب و مدرسه قرآن حكیم چنان نسلی تربیت گردید كه به نیكوترین صفات و بهترین اخلاق متصف بودند، و از اخلاق پست و عادات زشت و صفات بد رهائی جستند، وتوانستند در مدت زمان اندكی این دین بر حق را به اقصی نقاط عالم برسانند.

و در پایان گزیده ای ازصفات و اخلاق نیكوی پیک توحید و رسول هدایت، حضرت محمد ص را برای‌تان بیان میداریم امید است بتوانیم پیروان واقعی قرآن حكیم و سنت پیامبر بزرگ اسلام ص باشیم.

چه زیبا سروده است سعدی شیرین سخن در وصف رسول اللهص:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| ماه فرومــاند از جمــال محمـــد |  | سرو نباشد به اعتدال محمــــد |
| قدر فلک را کمال و منزلتی نیست |  | در نظر قدر با کمال محمـــــد |
| وعده‌ی دیدار هر کسی به قیامت |  | لیله‌ی اسری شب وصال محمد |
| آدم و نوح و خلیل و موسی و عیسی |  | آمده مجموع در ظلال محمد |
| عرصه‌ی گیتی مجال همت او نیست |  | روز قیامت نگر مجال محمد |
| و آنهمه پیرایه بسته جنت فردوس |  | بو که قبولش کند بلال محمد |
| همچو زمین خواهد آسمان که بیفتد |  | تا بدهد بوسه بر نعال محمد ج |
| شمس و قمر در زمین حشر نتابد ج |  | نور نتابد مگر جمال محمد |
| شاید اگر آفتاب و ماه نتابند |  | پیش دو ابروی چون هلال محمد ج |
| چشم مرا تا به خواب دید جمالش |  | خواب نمی‌گیرد از خیال محمد |
| سعدی اگر عاشقی کنی و جوانی |  | عشق محمد بس است و آل محمد |

آنحضرتص خوش رفتار و خوش گفتار بودند، درشتخو و بی‌مروت نبودند، به كسی اهانت نمی‌كردند، و نه اهانت بخود را قبول می‌كردند. امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب در باره پیامبر ص فرمودند: آنحضرت از بد گوئی بی‌عفتی خیلی به دور بودند، در بازارها صدای شان بلند نمی‌شد. بدی را با بدی پاسخ نمی‌دادند. بلكه عفو و گذشت می‌نمودند، مجلس ایشان سراسر حكمت و بردباری، حیا و عفت و امانت بود. صداها در حضورش بلند نمی‌شد عیبِ كسی مورد بحث قرار نمی‌گرفت، آبروی كسی ریخته نمی‌شد، نكته‌های ضعف افشا نمی‌گشت و همه با هم برادر و برابر بودند.

حضرت علی در ادامه می‌فرماید: رسول اللهص هیچگاه فریاد نمی‌زدند، و دشنام نمی‌دادند، عیب كسی را آشكار نمی‌كردند، و بخیل و تنگدل نبودند.

از سه چیز به شدت پرهیز می‌نمودند، جدال و ستیز، تكبر، و كارهای پوچ و بی‌معنی، سخن كسی را قطع نمی‌كردند، مگر اینكه از حد بگذرد آنگاه یا او را منع می‌كردند، یا از مجلس برمی‌خواستند، دعوت انسان‌های آزاد، برده و كنیز و مسكین را استجابت می‌گفتند، بیماران را در اقصی نقاط شهر عیادت می‌كردند، عذرِ معذرت كننده را می‌پذیرفتند، هیچگاه در مجلس اصحابشان دیده نشده پاهای مبارک خود را دراز كنند تا مبادا موجب ناراحتی كسی گردد، اگر صدای گریه كودكی را می‌شنیدند نماز را مختصر می‌كردند، و می‌فرمودند: هنگامی كه به نماز می‌ایستم دلم می‌خواهد آن را طولانی كنم اما صدای گریه بچه‌ای بگوشم می‌رسد لذا نماز را مختصر می‌كنم تا مادرش احساس ناراحتی و مشكل نكند.

همیشه به اصحابشان می‌فرمودند هیچ یكی از شما خبری از باب خبر چینی برایم نیاورد زیرا من می‌خواهم در حالی به سوی شما بیایم كه دلم خالی از كدورت باشد.

از ام المؤمنین عایشه صدیقه ل پرسیدند: آنحضرت ص در خانه چگونه به سر می‌بردند، فرمودند: آنحضرت ص در خانه مشغول كار بودند، لباس‌های‌شان را تمیز می‌كردند، گوسفندشان را می‌دوشیدند، و كار‌های خود را انجام می‌دادند، و هرگاه وقت نماز فرا می‌رسید برای نماز تشریف می‌بردند.

همچنین ام المؤمنین عایشه ل می‌فرماید: رسول اكرم ص از مهربان‌ترین و گرامی‌ترین اشخاص بودند.

حضرت انس می‌فرماید: من هیچ كسی را ندیده ام كه از رسول الله ص بر افراد خانواده‌شان مهربان‌تر باشد.

و همچنین ام المؤمنین عایشه صدیقه ل میفرماید: كه پیامبر ص فرمودند: بهترین شما كسی است كه با خانواده خود خوب باشد، و من بهترین شما نسبت به خانواده ام هستم.

و حضرت ابو هریره می‌فرماید: رسول اكرم ص از هیچ غذایی عیب نمی‌گرفتند، چنانچه آنرا دوست می‌داشتند می‌خوردند و اگر نمی‌پسندیدند تركش می‌كردند.

و حضرت انس می‌فرماید: من مدت ده سال به آنحضرت ص خدمت كردم و رسول الله از روی ناراحتی بر من اُف هم نگفتند، هیچگاه نفرمودند: چرا چنین كردی و چرا چنان نكردی، اصحابشان هنگامی ایشان را می‌دیدند بلند نمی‌شدند، چون می‌دانستند این عمل را دوست ندارند. آنحضرت ص می‌فرمودند: در وصف من به گونه‌ای که مسیحیان در وصف عیسی ابن مریم مبالغه كردند، زیاده‌روی و مبالغه نكنید البته من یک بنده هستم پس بگوئید بنده الله و رسول او.

عبدالله ابن حارث می‌گوید: من مانند رسول الله ص كسی را ندیدم كه همیشه تبسم بر لبانش باشد، گاهی چنان می‌خندیدند كه دندان‌های مبارک‌شان ظاهر می‌شد. رسول الله ص بیماران را عیادت می‌كردند و بر جنازه حضور می‌یافتند، دعوت برده را قبول می‌كردند، با هیچ كس برخوردی نمی‌كردند كه بر او ناگوار آید هدیه را قبول می‌فرمودند و عوض آنرا می‌دادند.

پس بیائید در همه شؤون زندگی از رسول اكرم ص پیروی نمائیم آن چنانکه قرآن كریم به ما امر نموده است.

﴿قُلۡ إِن كُنتُمۡ تُحِبُّونَ ٱللَّهَ فَٱتَّبِعُونِي يُحۡبِبۡكُمُ ٱللَّهُ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٣١﴾ [آل‌عمران: 31].

«بگو: اگر الله را دوست دارید، از من پیروی کنید تا الله شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببخشد. و الله، آمرزنده­ی مهربان است».

پس ای خواهر و برادر مسلمان!..

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ تُوبُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ تَوۡبَةٗ نَّصُوحًا﴾ [التحريم: 8].

«ای مؤمنان! به سوی الله توبه‌ی خالصی نمایید».

بیایید درگه رحمت الهی را با اشک ندامت بزنیم، او بخشاینده مهربانی است که کسی را از درگه خود ناامید نمی‌راند:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| باز آ باز آ هر آنکه هســـتی باز آ |  | گر کافر و گبر و بت پرستی باز آ |
| این درگه ما درگه نومیدی نیست ج |  | صد بار اگر توبه شکستـی باز آ |

بار الها! ماهمه بندگان محتاج درگاه توییم از ذات اقدس تو می‌خواهیم ما را به راه راست هدایت فرمایی و راه حق و حقیقت را به ما نشان دهی، تا بندگان مطیع و فرمان بردار تو باشیم.

پروردگارا! قلب‌های ما را مملو از نور ایمان و یقین بگردان تا به مؤمنان و مسلمانان محبت ورزیم، و به ما توفیق ده تا به قرآن و به سنت پیامبر بزرگت ص پایبند گردیم.

بارالها! ای قادر توانا! قلب‌های مسلمانان را با ایمان و اخوت و برادری و محبت مزین گردان و به جمع پراكنده آنها وحدت و پیروزی نصیب فرما.

پروردگارا! بما راه حق و حقیقت را بنمایان، و توفیق‌مان ده تا مؤمنان تو را دوست بداریم و با منكران و كافران تو دشمن باشیم.

پروردگارا! هر آنكه برای پراگندگی و ذلت و فساد مسلمانان می‌كوشد نابودش گردان و به آنها عجایب قدرت خود را بنمایان.

به امید روزیكه پرچم «لا اله الا الله و محمد رسول الله» در اقصی نقاط عالم به اهتزاز در آید و گلبانگ الله اكبر از هر گوشه دنیا به گوش رسد!.

والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته

فهرست منابع

قرآن كریم

ترجمه قرآن کریم (دهلوی)

تفسیر كابلی

تفسیر نور

تفسیر انوارالقرآن

ریاض الصالحین

اربعین النووی

صحیح بخاری

صحیح مسلم

سنن ترمذی

سنن ابی داود

سنن ابن ماجه

مسند امام احمد

مؤطا امام مالک

شعب الایمان بیهقی

المعجم الأوسط